

مد فر بوده است

§ قصابی جنرل (کروکی) در جنگ دو روزه آنچه به تحقیق پیوسته نهد و هفتاد دو نفر بوده است  
§ دیروز لشکریان روس مقام (هیچنگ) را تخلیه نمودند -

§ در (توموچنگ) که یوم شنبه و یکشنبه جنگ بود همان مقامیست که غالباً (سیموچنگ) نیز میگویند  
§ جنرل (کرو باتکن) خبر میدهد که بدون هیچگونه مزاحق از (هیچنگ) خارج شده و راه (شرجنگ) عبور نمود - در مغرب این راه خط آهن است تا نصف راه (ایاویانک) - اگرچه کالسکه و سایر لوازم حرکت موجود بود ولی باز لشکریان را روس بواسطه سورت هوا زحمت و مشقت زیاد رسید و بسیاری از آنان بیمار شدند

§ جنرل (کرو باتکن) در خط تاریخ اول ماه خود امید نموده است که با اینکه تفصیلات زیاد برداشت کرده اردوی منظم مرتبی را برای مقابله با خصم آماده نموده است - ولی عده دشمنان بسیار زیاد است

§ امیر البحر (الکس آف) از بندر (هارین) بجانب (ولادی و دسک) رهپار شده

(۲۱ جمادی الاول - ۴ آگست)

§ مخبر (روتز) از (چیفو) خبر میدهد که پناهندگانیکه بندر آرتر را در تاریخ دوم رها نموده بیان مینمایند که جنگی که در شب ۲۸ واقع شد تاکنون موقوف نشده ژاپونیان عقب نشستند ولی آنان را شکست ندادند - از طرفین تلفات زیاد شده است - روسها را عقیده این است که قلعه بندر آرتر قبضه ژاپونین نخواهد آمد و لوانکه در شهر بندر آرتر يك خانه باقی ماند

§ دسته جہازات روس از لنگرگاه بندر آرتر بر لشکریان ژاپونی که پیش قدمی میکردند شلیک نمود

§ مخبر (روتز) از (پترسبرگ) خبر میدهد که در ادارجات لشکری روس اقواء است که جنرل (کرو باتکن) اراده نموده است که (ایاویانک) را تخلیه نماید - ولی قبل از آنیکه جنگی پیش آید تخلیه نخواهد شد

§ جنرل (کرو باتکن) حکم نموده که تمام مأمورین ملکی که چندان وجودشان لازم نیست از (هارین) خارج شوند

تا برای قشون جا و مقام کافی بدست آید

§ در (پترسبرگ) مال امر جنرل (کرو باتکن) و لشکریانیکه با اویند خیلی به تامل وغور مینگرند و در طرق سلامتی آنان متفکرند چه بواسطه حرکت او از (ایاویانک) و سیورسات زیادی که در آنجا جمع نموده و ژاپونیان از هر طرف احاطه کرده نجات او را مشکل می بندارند

§ منتظم اداره [بیانو کپانی] روزنامه طمس اطلاع داده که اقوال روسیان که کپتان جهاز ملکه از نشان دادن کاغذات عذر آورده متروک بصواب نیست نه تنها کاغذات جهاز با آنها سپرده شد بلکه بسیاری از عیاجات جهاز را بکشتی والتیر پترسبرگ نقل نمودند و آنان را ترغیب در بیان حال نمودند که گرفتاری جهاز ملکه را منصفانه قرار دهند

§ مخبر (روتز) از (توکو) خبر میدهد که تصرف بندر (آرتر) را ژاپونیان یکمال انتظار مترصدند و میدان را لشکریان ژاپونی اندک اندک با کمال هوشیاری از پیش میبرند اعلیحضرت میکادو طائل نیست که در تسخیر بندر آرتر عجلت نموده تا خون جماعتی از لشکریان را رایگان بریزد  
§ مخبر (روتز) از (پترسبرگ) خبر میدهد که جہازات [ولادی و دسک] مجدداً بمقام خویش معاودت نمودند -

§ امیر البحر (جنسن) اظهار داشته که جہازات ژاپونی تعاقب کشتی های [ولادی و دسک] نمودند چون جہازات آنان در بندر (هاکودیت) بود نمیخواستند خود را مشغول نمایند

§ جنرل (ساخاروف) بیان مینماید که در جنگ سی و سی و یکم ۲۹ افسر و هزار نفر سپاهیان روس مقتول شدند و شش صراده توپ روسی غنیمت لشکریان ژاپون شد

( ۵ آگست - ۲۲ جمادی الاول )

§ بطریق رسمی روسیان تسلیم مینمایند تقصاتی زیاد لشکریان خود را و شش صراده توپ که بجنگ ژاپون در تاریخ سی و سی و یکم افتاده ولی میگویند این جنگ دارای اهمیت و نتیجه عمده برای ژاپون نبوده است ولی این امر را تسلیم دارند و قتیکه جنگ شروع شد مقام و موقع لشکریان روس خیلی متین بود ماقبت لشکریان ژاپون متفق شده روسیاترا احاطه

کردند - و توپخانه روس ستلاتی گردید  
و قایم نگار مخصوص پانز از لندن خبر میدهند که  
وقایع نگار طاعت لندن از برلین اظهار داشته که سیاحین  
باداش آلمان از ترقیات فنون جنگی و ترقیات ژاپون اظهار  
بشامت مینمایند خصوصاً حرکات جنرال (کروکی) و تبدیل  
حیالات جنگی مصلحتاً بختضای وقت - آنا فلان او را پیدا  
می شود خیلی بعور مینگرد

§ جهاز همبیارا که دسته کتی های جنگی (ولادیوسک)  
گرفتار نموده و اسباب ساحق راه آهن در او بود  
پس از تحقیق مرخص نمودند

§ دولت روس با جالبرا اطلاع داده که دو جهاز (والنتیر)  
که حامل دغال سنگ است عمرب از بوغاز داردنلز خواهد  
گدنت و دولت روس عهد مینماید که جهازات مزبوره  
هیچگاه از مسلک جهازات تجارتی خارج نخواهد گردید  
§ بموجب خبریکه از توکیو رسیده در جنگ نوموتو جنگ  
تسلط قشون روس هفتصد نفر و تلفات لشکر ژاپون  
هشتصد نفر ختم آمده در (موتو جنگ) شش هزاره توپ  
و در (نیکتوسولنگ) دو هزاره توپ از روسیان  
غنیمت لشکریان ژاپون شد

§ اداره (پیانو) کبابی اعلان داده که بواسطه جنگ  
اقصای شرق کبابی مذکور عبری و اسباب بالانرا از شنکائی  
را قبول نخواهد کرد ولی اشیا را حجه بملک ژاپونرا بدستور  
سابق خواهد گرفت

( ۲۳ جمادی الاول - ۶ آگست )

§ چهار (والنتیر) روس (پتوسبرگ) از عدن گذشته  
بحاق مشرق حرکت نموده است  
§ خبر (روز) از (پتوسبرگ) خبر میدهند که بطریق  
و توفیق به تحقیق پیوسته که در جنگ (هیچک) تالافت  
قشون روس چهار هزار نفر بوده است

§ خبر (روز) از (پتوسبرگ) خبر میدهند مصلحتاً  
چینه دو (پلیتاسکو) صدای شلیک از جانب بندر  
آرهر بگوش مبرسید

§ وقایع نگار اخبار (طمس) که در اردوی جنرال کروکی  
است ظاهر مبعارده که وضع و طریقه جنگ لشکریان روس  
نسبت به سابق بهتر شده - ولی تا کنون توپخانه آنان  
قابل مقابله با ژاپون نیست و مطابق نشان شلیک می کند  
§ بموجب خبریکه به فوسل ژاپون در بمبئی رسیده  
در حله ژاپونیان دو (نوموتو جنگ) یک صد و نود و

چهار نفر ژاپون مقتول و ششصد و شصت و پنجاه نفر  
مجرور گردیدند ولی لشکریان ژاپون هفتصد نفر روسیان  
را دفن نمودند - و شش هزاره توپ و تفنگ بسیار و  
قورخانه و آذوقه بی شمار از اردوی روس غنیمت  
لشکریان ژاپون شد

§ بموجب رپورت جنرال کروکی در جنگ (پوشینگ)  
وینگزولنگ نقصانات ژاپون ۹۸۶ نفر بوده که منجمه  
چهل افسر نیز شامل است و تلفات لشکریان روس تا  
دو هزار نفر شازشده و هفت افسر و یکصد و چهل نفر از  
قشون روس اسیر گردیدند و دو توپ بزرگ و تفنگ بسیار  
و خیمه و قورخانه زیاد غنیمت لشکریان ژاپون شده است -  
§ بموجب رپورتیکه جنرال (کروکی) داده در (پین لنگ)  
که پنج میلی جنوب (پوشولند) است لشکریان روس را  
شکست قاتی رسیده در وقتیکه لشکریان ما فراریان  
روس را تعاقب میکردند چهار توپ از روسیان غنیمت  
ما شد فراریان روس پناه بردند بهت سلب سرخ که  
برای پرستاری مجروحین جنگ حاضر بودند بدین  
مناسبت لشکریان ژاپون ترک شایکه برآمان نمودند

نأسف

( هر آنکس اندرین دنیای دون بنهاد پای خود )  
( بخوان ریح و محبت يك دو روزی مهین آمد )  
دوین هفته خبر تالم اثر رحلت مرهت شان خله  
آشیان حاجی محمد حسین تاجر افشار که جناب مستطاب  
آقا محمد تقی آقا تاجر افشار را مهین برادر و جناب  
مستطاب آقا میرزا محمد باقر آقا تاجر افشار را مهین  
پدرند از یزد به بمبئی رسید - در مسجد ایرانیان بمبئی  
چند روز مجالس فاتحه خوانی بسیار حرمت و منظمها  
شکوهِ منقذ گردید - علی سید العصوم دو اعطای  
بمستحقین و اطعام بمساکین و اقدام در سایر امور خیریه  
جناب آقا میرزا محمد باقر فرزند ارجمند آن مرحوم بسط  
ید نمودند - بزرگان بمبئی از هر قوم و مذهب شریک  
مجلس ماتم و دخیل محافل غم بودند حاجی محمد حسین  
مرحوم بمناسبت شیخوخیت سمت ریاست و مقام  
مختومی در نزد جمیع تجار یزد داشت - در رحلت آن مرحوم  
زاید الوصف بر نوع تجار محترم تالم بخشود چه مرحوم  
سرمی بود صاف درون خوش اخلاق با دیانت و  
اعانت و مردل عزیز رحمة الله علیه رحمه واسعه

اعضای اداره جبل المتین با کمال تالم خاطر جبابان  
مستطابان آقا محمد تقی آقا تاجر افشار و آقا میرزا محمد  
باقر آقا تاجر افشار را حرم تسلیم تقدیم و رحمت و  
مغفرت آن مرحوم و ترقی عمر و عزت ایشان و سایر  
بازماندگان را از درگاه احدیت مسلت منباید

سپهسالار کلکته

دیپلوم کالج استریت نبره

کلیه امور اداره با

یوکل مؤید الاسلام است

منتظم اداره

امداد جواد شیرازی است

هر دو شنبه طبع

سه شنبه توزیع میشود

تاریخ هوشنبه

بیجاپی التانی (۱۳۲۲)

مصروف با

۱ آگست ۱۹۰۴ میلادی

روزنامه مقدس

قیمت اشتراک

(سالانه شش ماهه)

هند و برمه

(۱۲ روپیه - ۷ روپیه)

ایران و افغانستان

(۲۰ قران - ۵ قران)

عمان - مصر

(۵ مجیدی - ۳ مجیدی)

اروپا و چین

(۳۰ فرانک - ۱۷ فرانک)

روس - ترکستان

قبل از دریافت نمودن قبض اداره (۱۰ منات - ۶ منات)

# سپهسالار

سنة ۱۳۱۱

در این حریبه از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود  
چون مراسلات عام الممه مقبول و در انتشارش اداره آزادست

## فهرست مندرجات

- سیاسی • مکتوب یکی از مصارف پژوهان
- مکتوب • مرستان • اداره احتسابیه طهران
- مکتوب • قابل توجه رؤسای روحانی و حسانی
- سرود ملی و ترانه وطن • مجلی از احوال مکاتب عمومی
- اصلاحات جدیدہ یا خیالات طالبانہ وزیر اعظم
- کرمان و بلوچستان • بوشهر • مکتوب یکی از فضیلات جلیل
- تلکرافات

## سیاسی

از جمله مسائل عمده که موضوع بحث است حفظ و  
برائی آتیہ بندر (آرتھر) میباشد چه بندر (آرتھر)  
کلید منجوریا - و منجوریا مفتاح فتوحات و استیلای بر  
ممالک متوسطه چین است - پس هر دو است که بر بندر  
آرتھر استیلا داشته باشد همه وقت میتواند منجوریا را  
مسخر سازد - و هماره خوف از حمله وی بر ممالک  
متوسطه چین نیز خواهد رفت - هرگاه دولت ژاپون  
بعد از فتح بندر (آرتھر) را خود نگاهدارد و شاه گاه  
جهازات خویش و بندر جنگی خود قرار دهد مصداق  
(چه دیدم نظیت بکریم بودی) واقع خواهد شد چه

همان خوفی که از روس بر چین ساری بود تبدیل  
ژاپون خواهد شد - ولی منات و درایت و هوشیاری  
اعلی حضرت میکادو قبل از آنکه این بحث سمت  
رسمیت پیدا کند و رقبای ژاپونرا این موقع در رسد که  
دولت چین را رسماً بدین دعوی بازدارند تکلیف خود را  
از وزارت خارجه چین خراسته است بدین معنی که وزارت  
خارجه ژاپون رسماً از وزارت خارجه چین استفسار  
نموده که بعد از تسخیر بندر (آرتھر) آیا دولت چین  
فورا متصرف شده محافظه و نگهرازی و برا خواهد نمود  
و یا آنکه ژاپون باید تدارک حفظ و نگهرازی او را تا وقت  
معلوم و معینی بنماید - دولت ژاپون بدون هیچ اگراره  
در اجرای هر یک از این دو امر که دولت چین منظور  
نماید موجود است - رجال دربار چین را این مغایره از  
چند راه دنگ کرده اول اطمینان و قوت عزم و  
حزم ژاپونیان در تسخیر بندر (آرتھر) دوم اظهار  
بی طمعی و صاف درونی و افسای بمواعید خویش  
درباره فتح و تسخیر منجوریا - سوم سد طرق تقنین  
رقبای خود را نزد چین نمود - و نیز این نکته هر دو را  
و حالاً غالی از قائده میباشد - چه واضح است که علی  
ای نحوگان (منجوریا) و بندر (آرتھر) در صورتی هم که  
تحت نظر چین قرار گیرد از زیر انتظام و من

الحفظ سرداران جنگی و افسران ملکی ژاپون تا سالهای دراز خارج نخواهد گردید. یعنی تا وقتیکه دولت ژاپون اطمینان نکند سکه دولت چین قادر بر حفاظت نامه منچوریا میباشد و از روی معاهده سلب اختیار دادن امتیازات داخل منچوریا را بخارج بدون امضای ژاپون از چین نماید کاملاً منچوریا را بچین واگذار نخواهد نمود. درین صورت فوایدی را که ژاپون ازین جنگ مدنظر داشته در هر صورت حاصل خواهد کرد. دیگر آنکه پس از آنکه دولت چین مصمم در نگاهداری و حفظ بندر آرتر گردید بر قوت ژاپون بواسطه لشکریان بومی و بحری چین در بندر آرتر از هر جهت خواهد افزود و همین قسم است تصرفات چین در اتر حصص منچوریا § وزارت خارجه چین در این ماده جوابی که کافی ازین سؤال باشد تاکنون ژاپون داده نغده. چینیان قبح بندر آرتر را (مثل اینکه ایرانیان این دوره علی سبیل العموم شکست روس را محال تصور میکردند) غیر ممکن می بندارند ازین رو جواب از این سؤال را قبل از وقت تصور کرده بجهل و سر بسته گذاشته است ولی ژاپون نتیجه را که مدنظر داشته از پیش کردن این سؤال حاصل نمود.

من جمله مسائلیکه سیاسیون را موضوع بحث است ما با مصارف و خساره جنگ میباشد. چه مسلماً مضمون است دولت روس خساره جنگ را گردن نخواهد نهاد ببد نیست بدون صلح ترك منچوریا و (ولادبودسک) را بایند نذارک آبنده و فتوحات آتی نماید. اگرچه چون اسراء و مجروحین طرفین در قبضه دولتین متخاصمین بسیار است لابد دول سائزه میان اقتاده صلح خواهند داد. ولی در هر صورت گمان نمیرود دولت روس زیر بار ادای این خساره سنگین با آن خسارات عظیمه که خود دیده برود. و بموجب وعده که دولت ژاپون بچین داده و بر بنائیکه با روس جنگیده تصرف مالکیت در ممالک منچوریا نمیتواند کرد بچین است ژاپون نیز با این همه فتوحات عایه از خساره مصارف عظیمه خود چشم نتواند پوشید یا پس از تعیین مصارف و خساره جنگ دولت چین ذمه گرفته با قسط خواهد پرداخت و با ژاپون منچوریا را بقبضه بخود نگاهداریه لگوتی که مصارف جنگ را حاصل نماید.

آنچه ظاهر است

دولت چین زیر بار ادای مصارف بخودی بخود نخواهد رفت. و طاقت مملکت وسیعه منچوریا ضامن و درهین ادای این خساره خواهد بود.

ارباب بصیرت و رجال با سیاسترا پیشرفت مقاصد ژاپون در اقصای شرق مقام شبه ایق نگذارده زیرا که برای دولت روس هیچگونه اسباب قبح و لصرتی علی الظاهر مشاهده نمی شود. از آغاز جنگ تاکنون مشتصد میل لشکریان ژاپون پیشی چسته از سرحد کوریا تا دروازه مکن که پای تخت و ناف منچوریاست مسخر ژاپون شده. بجزراً و برآ تا امروزه بالغ بر یکصد میدان بزرگ و کوچک بین لشکریان روس و ژاپون آراسه گفته و قرب هفت ماه است جنگ امتداد یافته در یک میدان روسیان را قبح نصیب نشده و در هیچ مقابله ژاپونیانرا عقب نه نشانیده اند. مسلم است که هرگاه دولت روس در آغاز جنگ نیز مستعد بیکار نبود در مدت هفت ماه تدارکات کافیه خویش را باید دیده باشد از ملاحظه این نکات ظاهر میگردد که یا دولت روس اقتدار بر دیدن تدارکات جنگی در مقابله این خصم قوی بجه نداد. و یا آنکه تدارکات کافیه را دیده لغت نهاد جنگی و قابلیت طبیعی روسی مقابله با خصم ژاپون ذرا میزان اعتدال قبول نمیکند.

بالجمله. جمیع سیاسیون متحد الکلمه میگویند که در مقابله با ژاپون پای استقامت روسیان لغزیده نبات قدم آنان دشوار بلکه محال است. از آغاز جنگ تا کنون روسی و غیر روسی انتشار دادند که جهازات جنگی روس از دریاه بالتیک برای تکمیل قوای بحری او در اقصای شرق خواهد رسید. و نیز رسماً و غیر رسماً اشاعت یافت که از راه آهن سبیریا روزانه جهازات قشون بکمک جنرال (کروبانکن) میرسد تا امروز خبری از حرکت جهازات دریای بالتیک نرسیده. و نیز با این تأیید و ککی که بالشکریان روس از طریق راه آهن سبیریا رسیده تا اکنون هیچگونه قوتی از لشکریان روس نمودار نگردیده و همان قسم که از آغاز جنگ ژاپونیان پیشرفته و روسیان عقب نشسته تا امروز بدان منوال دیده میشود بلکه بدواً اندک استقامتی در جنگ لشکریان روس می نمودند درین ایام که از هر طرف لشکر ژاپون بر روی



عظمت و رعب و هیبت روسیان کاسته که از قوت و بیان انزوجه ژاپون در هر میدان چه از اشکر شده بر ژاپون و آزمون لشکر کشی زاید بر حد ضرورت تدارک دیده وجه ظاهر موده است ازینرو هر هیچ نقطه از نقاط مهمه یا غیر مهمه جنگ لشکریان ژاپونی عقب نهفتست و شکست ندیده ولو نکه تاهانشان زاید بر خصم شده است روز با محاجات امریکا از حرکات دلیرانه ژاپونیان نتیجه گرفته مینویسند که این اقدامات حسورانه سرداران ژاپونی مینمایند که هم قریب دست تصرف ژاپون بر دریایچه (بیکال) در ارشود - بعد از فتح (بندر آرهر) و قبل از تسخیر (لیاویانک) و (مگدن) ژاپون بدینصورت حوآمد تاخت - بمید نیست (ولادبودسک) و (هارین) و (مگدن) و (لیاویانک) یک مرتبه مجتد روز فاصله هم را فتح نماید - دولت روس بعد از آن از رساندن کتک عمده برآ و بجزاً با قسای شرق عاجز حوآمد ماند - این نکات علناً میروساند اسارت جنرال (کرویاتکنی) و سایر لشکریان و گرفتاری جهازات جنگی روس مگر اینکه بعد از فتح (مگدن) و (ولادبودسک) بوساطت آلمان و فرانس روسیان خواهان صلح شوند - اخبارات فرانسه ازین وقت زمزمه صلح مینمایند - و میگویند با ملاحظه نطهات تجارتن روس و حفظ راههای آهن منچوریا صلح میتواند شد - اخبار (مسکوگرت) مینویسد که هرگاه کوریا و منچوریا را ژاپون به روس قطعاً واگذار کند و خساره جنگ را نیز بدهد در آن صورت ممکن است روس مایل صلح گردد - جرائد انگلیسی مینویسند که با قطع تعلقات روس از دریایچه بیکال نمکی است ژاپون تن صلح در دهد درین صورت ژاپون حساره جنگ را از روس مطالبه نخواهد نمود - چون این معامله خیلی دور از هم است اقتضات امریژه ژاپون و شور یشتی روس سر بهم میدهد و چون رجال دربار روس خیلی سخت و مغرور اند زاید تا وقتی که دولت ژاپون (ولادبودسک) را مسخر نه باید و راه آهن دریایچه (بیکال) و متصرف نشود تن به تکالیف ژاپون در نخواهند داد

ورود کشتی های جنگی ژاپون در (چیفو) و هران نمودن یک جهاز جنگی روس را در آن بندر که از بنادر جنگی در آغاز جنگ خارج شده بهانه خوبی برای روس گرویده چون نگهبانی و نگرانی بندر (چیفو) را دولت

چین زنده وار بود لذا دولت روس به تأیید آلمان و فرانس بدربار چین اعتراض کرده شاید بتواند بدین بهانه خلی دوسلح نوعی چین با دول سائره و طرفداری او از ژاپون بپندازند - دولت آنازونی هم معترض بحرکت جهازات جنگی ژاپون و هم سعی بر استحکام و بقای صلح نامه دول با چین است - تا اکنون از طرف دولت ژاپون جوابی بدین اعتراضات داده نشده - جرالد انگلیسی نیز درین ماده خواوش اند - مظاهون است دول ثلاثة روس و فرانس و آلمان این مسئله را برای پیشرفت مقاصد خود خیلی اهمیت دهند چون بدقت ملاحظه شود بر هم خوردن صلح نامه دول با چین چندان مفید محال روس نیست بلکه میتوان گفت که دولت ژاپون برای برهم زدن آن صلح نامه که سر تا با سر بحال چین است دانسته و عمدا اقدام درین عمل نموده باشد تا بهانه او را بدست آید بمید نیست بمشوره امریکا و انگلیس و رضایت چین این حرکت را نموده باشد مناقشه انگلیس و روس در تدارک و گرفتاری جهازات دریای اهر تا اندازه رفع گردید - با اینکه زیادتی از روسیان بود انگلیسان تحمل نموده این مسئله را از اهمیت انداختند - چه رجال انگلستان از خیالات روسیان که جنگ عمومی را طالب اند واقف شده صلح در این دیدند که جنگ را بحالت موجوده برقرار داشته تلافی این زیادتها را قسمی دیگر نمایند - اهالی انگلند از - الامت روی و وضع سکوت دولت خود برآخته آراء مخالفانه برخلاف رجال حالیه تقدیم مینمایند - مسئله جهاز (بایت کاندن) که روسیان غرق نموده هنوز موضوع بحث است ولی چون انگلیسان سر تسلیم دارند یقین است منجر بمخالفت نخواهد شد

نکته که خیلی رجال انگلستان را متوجه ساخته و مشوش نموده هاما گذشتن جهازات (والتیر) روس با سم جهازات تجارتنی از بوغاز (داردنلز) است - چه مطابق معاهده هرگاه یک دولت را اجازه عبور جهازات جنگی داده شود دل دیگر را نیز همان حق ثابت حوآمد بود و شکستن این معاهده را دولت انگلیس معید بحال خود نمیداند - چون آلمان و فرانس و روس و عثمانی متفق اند انگلیسان چندان قدرت نامی و اظهار قوت نمینمایند زبانا اعتراض کرده و بطریق پلتیک جوابی همی شنوند - ولی از طرفی دیگر برای عثمانی گره رقصانده قتل ارمنه و سایر اغتشاشات داخلی را موضوع بحث قرار داده تا شاید بدین وسیله دولت عثمانی را مرعوب و مغرور دارد درین میداننداری دولت آنازونی را سنگ روی یخ نموده بخرش با عثمانی سابقه است



بجز این نباشد

جناب ..... اعظام السلطنه حکمران عربستان که از شوشتر مرکز حکومت خودشان به بندر ناصری آمده و در آنجا چند روزی با جناب معزالسلطنه سردار ارفع حکمران محرمه و اهواز بوده پس بشوشتر مراجعت و جناب معزالسلطنه به محرمه عودت نمودند

از قرار اخبار شایعه تا کنون در دزفول قریب چهار هزار و در محرمه نزدیک سیصد نفر از مرض و با فوت شده - لیکن عجله در این دو محل تخفیف کلی پیدا کرده و در شوشتر و سایر نقاط هنوز باقی است

میرزا ایاس رئیس حایه کل کرکات و پست و قریبینه عربستان کمال مواظبت را در سرپرستی و ازدیاد دعاگوئی برای دولت ابد مدت دارد اداره امور ریاست پست حایه مبارکه دزفول که با رئیس کرکات آمجا بود اینک شخص مخصوصی برای دزفول مشخص و روانه کرده اند

### اداره احتسابیه طهران

عمل ارزاق شهر دارالخلافه از اثر توجه و اقدامات مختارالسلطنه وزیر احتسابیه و رئیس مجلس نرخ در ثابت فراوانی و ارزانی و وفور و خوبی است - الحقی مساعی این مرد خیرخواه وطن دوست قابل هزارگونه ستایش و تحسین و حیف است اینگونه وجودهای خیر اندیشرا سالها باطل و عاقل گذارند در قابل مدت که تعیین ارزاق بایشان محول شده است آنی آورده بست - یک خدمت بزرگش بموم امالی آستانه مخارج آنها را بنصف رسانیده - فیالمثل در سابق شخص اگر یکم نان و دو چارک گوشت و پست تخم مرغ میخواست باید لا اقل هشت قران بدهد و امروز چهار قران است - نه تنها هفتش مصروف کلیات میباشد بلکه جزئیات اشیاء را نیز دقت میناید و میزان صحیح تعیین نموده بر طبق آن حکم میدهد و چون حکمش از روی بصیرت و تحقیق است هرگز ممکن نیست از حکم خود برگردد - سابق بر این هر حال از بد و ظهور خیانت بکجا و نیم این محتاج حکم کیمیا داشت - اول زهدی بزرگ قران و پشتر تا آنکه او به پنج

§ دو عالم زفیض ازل آفرید

یکی کرد پنهان و دیگر بدید •

§ به بخشید آنکه سرای پنج

بشاهان با افسر و تاج و کنج •

§ که از عدل ایدان شود روزگار

شکسته تر از باغ در نوبهار •

§ ره داوری را چه بگیرند پیش

شناسند بیگانه را مثل خویش •

§ کسی گو چنین زیست در روزگار

بود سببه ذات برودگار •

### عربستان

هفته قبل از رفع نقاب و کسالت جناب ..... اعتلاء الدوله کارگذار عربستان دام اقباله عرس مسرت و بشانت شد ولی روزگار به اقتضای ناپایداری حساب ایشارا به فوت برادر اکبرشان آقا میرزا حسن مستوفی به مصیبت قرین و دل تنگ و عمگین کرد و مراسم قانع و تمزیت به نوعیکه شایسته مقام عالی ممری الیه و یک مأمور و بمعوت محترم دولت بود از داخله و خارجه بعمل آمد - حضرت منان آمرحوم را فرقه غمرازان و جناب موزی الیه را صبر و اجر شایان عملا باید و عمر و طافیت ولی نعمت اعظام ایرانیان که پدر رؤف و مهران است سد چندان فرطاید

این اوقات در رؤسای تلکرافخانه ای مبارکه عربستان بعضی تغییرات شده بجای حاج میرزا ابوالقاسم محاسن رئیس تلکرافخانه شوشتر آقا میرزا اسدالله خان - و به عوض آقا میرزا هادیخان رئیس تلکرافخانه بندر مبارکه ناصری آقا میرزا احمد خان منتخب و منصوب گردید - چون رؤسای سابق مردمان آبرومند خوش ملوک سدید امینی بودند امیداست رویه رؤسای لاحق هم که البته مجرب و محل وثوق اند همین باشد - جناب میرزا عبدالکریم خان رئیس تلکرافخانه محرمه به نهایت حسن رفتار و مراقبت در کار دارد و فی الحقیقه لازمه توجهات جناب ..... مخبرالدوله وزیر تلکراف و نواب والا شهزاده مؤیدالسلطنه رئیس کل تلکرافخانه های مبارکه فارس و عربستان همین است و

نهای و يك عباسی میرسد نصف خیار تمام شده بود ولی این مرد مقرر نمود که ار اول بیشتر از عددی یکشاهی قروشنه يك هفته نگذشت که شش دانه آن بيك صد دیار رسید

سه روز قبل با قطار راه آهن طرف حضرت عبدالعظیم میرقم در وسط راه چندان گوسفند دیدم که هرگز ندیده بودم تعجب نموده در مقام استکشاف برآمدم معلوم شد که کدخدایان و رؤساء قصابخانه زیاده از پست هزار گوسفند خریده در نقاط مختلفه پنج شش فرسخی شهر توقیف نموده بودند تا تدریجاً شهر آورده ارائه نمایند که گوسفند کم است و باید باعلی القیمة فروخت - مختارالسلطنه این معنی را کشف کرده چند نفر قزاق و چند مأمور امین کرده بفته باعانی مختلفه رفته گوسفندان را بطرف شهر روانه کردند آنگاه حکم کرد صاحبان گوسفند آمده تا قیمت آرا برطبق نرخ عادلانه بآنها تسلیم نماید مسئله دیگر که خیلی معزی الیه در آن اهتمام میباید عمل تنظیمات است زیرا که چون تا کنون کسی در ایران اقدام باین امر ننموده عادت بر این جاری شده بود که عموماً از هر خانه روزانه انواع کثافات در کوچه یا خیابان بریزند و باد نیز آنها را بر هر طرف برده یا در مجاری آنها ریخته در جزء آب خورک مردم شود یا در جزء هوا در استنشاق و تنفس داخل در حلق و گلوی مردم گردد - عصرها که اندک بادی میآید این کثافات در تمام شهر بگردش می افتاده عبور و مرور را سد مینمود - آب را اگر تجزیه میکردند درده قسمت پنج جزء آن آب زیاده نبود و باقسام کثافات و حیوانات معلوم است استنشاق این هوا و شرب آن آب بمنزله سم مهلك است - مکرر مختارالسلطنه در این خصوص اعلانات پی در پی نمود و فشار و خسارات این بی امانی و اهمیت و لزوم نظایف کوجها و خانها را آنها نمود - ولی (گوش سخن شنو کجا دیده اعتبار ~~کجو~~) تا اینکه در این چند روز بواسطه باره انتشارات در باب انتشار مرض وبا وقت و موقع را مناسب دیده شروع بعمل نظایفات نمود - اول مقرر داشته در هر کجا نهر آب در وسط کوچه ها است بجز آنرا بیوهانند تا کرد بوکثافات وارد بر آن

نشود و کوجه ها که محل ریختن خاک و خاشاک و ساختن خشت و کوبیدن کچ و مئره حیوانات مرده از قبیل سگ و گربه بود ، و قوف شود و هر چه قدم مأمور مخصوص با عمله و اطلب است که کثافات را جمع نموده بخارج حمل دهند - واقعاً آمده برا تعجب ، یآید که بشنود در کوجه های طهران که بای تخت است سگ مرده و گربه متعفن شده و حیار بوسیده و کندیده ریخته باشد - در يك طرف کوجه مردی مشغول حشت مالی است - در سمت دیگر فله بگل کردن اشتغال دارد - آنطرف مرد بقال یا سبزی فروش متاع خود را در وسط کوجه نهاده مشغول معامله است - خدایا آنهم کوجه که عرضش دو ذرع میشود - از سمت دیگر متصل از خانها عمله خاک آورده در کوجه میریزد با این حال اگر همه خاق از کثافت هلاک نشوند تفضل الهی است - مسئله دیگر آب حمام است که ( مسلمان نشنود ~~کافر~~ ندیند ) آب حمام سال تا سال عوض نمیشد و هر روز چند صد نفر در آن وارد و رچ میشدند تدریجاً از حالت طایع بودن خارج شده مثل غسل دسته میشد در حالتیکه بوی عفونت آن شامه را از دور منادی میساخت - حامی با انصاف هرگز در فکر ریختن و عوض کردن آب نبود حکم قلیان نجف آباد را پیدا کرده بود که باید آب آن عوض شود - عجب تر آنکه عامه نیز بیدی و معایب این گونه حمام ملتفت نمیشود و اعظم و اعیان نیز که بخرجه رفته عیوب آرا میدانند نهایت همتشان آستکه حامی مخصوص خود ترتیب دهند - اغلب امراض طهران از این حمامهاست مخصوصاً چرك - ووزك که هر کس وارد آب شد فوری باو سرایت میکند از این جهت است که این مرض در طهران حکم همومی پیدا کرده است کجلی و پسی و امثالهمه نتیجه این حمامهاست - اگر کسی نگوید لازم نیست داخل در خزانه حمام شده تا کثیف شود و مرص سرایت نماید آنکس در نظر قدسین طرود و فاق شمرده خواهد شد - شرط ایران آستکه همه حرکات و سکناتش مخالف تمام اهل عالم باشد و هر روز بچشم خود ضرر آرا دیده باز متنبه نشود و تقاید را از دست نگذارد - هر حال مختارالسلطنه اکیداً حکم نمودند ~~جکه~~ آب حمامها باید هر ماهی دو مرتبه تجوید شود و

خزانه از هر نوع لجن و کثافات شسته و تمیز کرد و چندان در این محل سعی است که بسی از حمامها را خود باید ملاحظه نماید و تصدیق تجدید آب آن باید باصفا يك نفر از مردمان متدین آن محل باشد تا حسی نتواند تقاب نماید

### مکتوب

در دو سه هفته گذشته اخبار شروع و شیوع ناخوشی و باء در عتبات عالیات و بصره و بعضی از اراضی ایران در جراید با کمال ملال دیده شد بلکه از تاگراف (رور) از اتلاف نهد نفر در طهران هم آگهی رسیده و طایفه هم و هم و اندوه ایرانیان در این صفحات گردید. دو مکتوب در روزنامه مقدس حبل المین و جریده فریده مظهری درج شده بود که جوانان ایرانی در صد نفر هشتاد نفر تحصیل علم طب کردند الی آخره

چند سال قبل از این ناخوشی و باء در طهران شیوع یافت هر کس گرفتار گشت فوراً آدم بدندان طبیبان جوان فرنگی مآب فرستاد اولاً ایشان مشغول پوشیدن لباس فرنگی می شدند و با دو فلاپ بند زیر جابه را بر شانه کشیده محکم می بستند آنگاه در کمال سنگینی و وقار سواره رو بسرای بیمار راه سپار می گشتند و دوی خوشبو هم بر دستمال ریخته متصل بر می کردند تا این که بدر آنخانه رسیده پیاده می شدند چون وارد حیات می گردیدند در آنجا حکم میکردند که اولاً یکسندی بیاورید و ناخوش را بیاورید بیرون بعضی از بچسارگان که سندی حاضر نداشتند از خانه همسایه می آوردند و نا آهوق حکیم حاذق در آنحیات گام میزد و متصل عطر یا دوائی از تیشه بر دستمال ریخته و استنشام میکرد سندی که حاضر شد مانند یککاس جلوس می فرمود و بیمار را بخدمت ایشان می آوردند بمحض نزدیک آوردن ناخوش یا وقتن داخل اطاق بیمار يك دست بدستمال و بدماغ محکم گذاشته و صورت را از بیمار گردانیده و دست دیگر را دراز کرده نبس بیمار را می گرفت. ائصاف میداند که در این وقت چه حالت به بیمار بچاره و اقربای او دست می داد دوی این طبیبان و شایع معالجه ایشان هم همان بود که بجهل از انچه در جرائد آن سنوات

مدرج آمد. اشخاصیکه در آن وقت اخبارهای طهران و اختر مطالعه فرموده اند یقین است که تحریرات فوق را تصدیق خواهند فرمود. بسیاری از بیماران که در ۲۰ سال قبل در گذشته اند نصفشان از عدم طیب و معالجه بود و نصف دیگر شان بابت حرکات حکیمان و صوفین و جهالتشان - چه بسیار جای افسوس و تأسف است که بسی از جوانان ایرانی در فرنگستان تحصیل نموده اند و درجه علم و حرکاتشان بصورت این طبیبان لایق و حاذق است جز آنچه - بسیاری می گویند تحصیل علوم مهندسی کرده و تکمیل یافته اند. مع هذا یکی از آنها نتوانست بل شوشتر را تعمیر کند و امسال هم بجهت بستن سد اهواز محتاج مهندس فرنگی شدیم شخصی مذکور میداشت که در هنگامه و باء در طهران که طبیبان یگانه آن طور رفتار می کردند بر خلاف ایشان داکتران خارجه بودند خصوصاً (داکتر طولو زان) که با وجود کمال سال خوردگی و شکستگی و در خارج طهران اوقات داشتن هر کس او را طلب می کرد فوراً روانه می شد. روزی یکی از امرای ایران از راه داسوزی با و گشت که شها بر حال خودتان ترحم فرمائید او جواب فرمود که گویا غرض شما این است که با ما من هم گرفتار ناخوشی شوم هاتمم که شرف و افتخار سردار و سپاه در این است که در میدان جنگ گفته گردد همچنان شرف و افتخار حکیم در این میباشد که در هنگام معالجه بیماران و دفع دادن ناخوشی ایشان بآن بلاه مبتلاء گردد

من نمیدانم که جوانان ما در مدت اقامت در فرنگستان و تحصیل علم طب هیچ نگاه رفتار و کردار پزشکان فرنگستان میکنند یا نه

باری چند نفر از حکیمان ایرانی در آن بیماری طهران الحقیقاً بی و بیرونی از آن حکیم نامی و گرامی کردند و امید می داریم که بواسطه ملامتها که سابقاً در حق آنجوانانیکه از هر طرف سندان چند گرفته و نصیحت بزرگ گشته اند با اشخاصیکه از آن بید تکمیل یافته اند در این هنگامه بیماری هراق صرب و عجم که کلی بسیاری از شهرهای ایرانرا احاطه کرد از حالا اسباب جلوگیری را آماده نمایند

• (علاج بواقعه پیش از وقوع باید کرد)

حقوق قابل توجه رؤسای روحانی و جسمانی

جناب صدراعظم از فضلاء و ادباء غیرت مند وطن پرست ملت خواه دیندار نظر بمراتب اسلامیت قصیده ذیل را متنی بر تنبیه ملت و تخویف از معاشرت با اجانب و تحریک حس ملی انشاء و القاد کرده مفاسد و معایب مدارس ملل اجنبیه را خصوصاً لزاری در ممالک اسلامیّه ظاهر ساخته . و روی سخن در این ابیات با حضرت حجة الاسلام آقای حاجی میرزا ابوالقاسم اطام جمعه است . از اینرو که توجه معظمالیّه بترویج دین حنیف و تقویت مسلمانان مشهود و معروف است . ولی باید دانستکه مقصود ناظم نه آنستکه مدرسه امریکائی را مسدود سازند تا موجب فتنه و آشوب گردد بلکه سخن بر آنستکه چرا مسلمین باید اطفال معصوم خود را باین گونه مکاتب بفرستند تا عقاید شان فاسد و تباه گردد

§ آه و فریاد ازین مدرس امریکائی

• که کند طفل مسلمان بحیل ترسانی

§ بیخه مسلم - محکوم بدرس تورات

• یا که عبور بچغذ صحف لوقائی

§ قائل برسه خدا پس اگر اطفال شوند

• کی پرستند خدا را بهان یکتائی

§ گر تو اطفال مسلمان بکلیسا بینی

• عوض اشک ز جشمان همه خون بالائی

§ صوت ناقوس و بیانوی و سرود او چه شنید

• کی دگر جانب مسجد رود این شیدائی

§ گویشا بجهتین هیچ ندارند خبر

• که برد گرک ازین کله زب پروائی

§ یا که سلطان خبرش نیست که دین رفت از دست

• رفت چون دین برود دولت او یکجائی

§ دوش این بیت شنیدم که چنین خوش میگفت

• طفل رمدی که بود پیشه اوبنائی

§ گر مسلمان ازین است که طاهرا داریم

• آه اگر از بی امروز بود فردائی

§ سرو جان میدهد تا که شوی حرم و شاه

• زن نوائی ز برای دل من ای نائی

§ ز خراسان و صفهان عراق و تبریز

• غزل رفتن دین را تو اگر بسوزی

§ خواب غفلت ز چه بگرفته مسلمانانرا

• دزد عیسار به برد از همگی دارائی

§ تا یکی در بی آسایش و راحت باشی

• درد دین گر بودت هیچ نمی آساز

§ اگر غیرت دین است بر اهلز و بگو

• از چه بنشسته و دست بدنجان خانی

§ علما را تو خبر کن که بساطان گویند

• گره کار همین است اگر بکشانی

§ شه طیب است دولت علما بر مات

• این دوگر چاره سازند زهی روانی

§ گر تداخل بی روی رودت کار از دست

• کار چون سحت شد از عهد دگر برنائی

§ ای طیبیان زره لطف علاجی بکنید

• یرقانی شده این مذهب و دین سفرائی

§ دولت و مات اگر هر دو بهم دست دهند

• میتوانند و آلا نتوان تنهائی

§ همه دانند در این عصر که لایق باشد

• که هر مجلس و محفل تو ورا بستائی

§ ای که امروز تویی حجة الاسلام زمان

• شده شهره در این شهر به بی همتائی

§ بزوی جید نشینی تو بکننج خانه

• دست بردست ز افسوس چرا میسائی

§ بخدائی که ترا داده علوم بعد

• همه کار به بخشید همت پندائی

§ علم دادت که چراغ ره گذشته شوی

• رهنائی همه کند مکان پندائی

§ داد توفیق خداوند که دره سند شرع

• نه نشینی ز شرف زنگ زدین بزدائی

§ ننگداری که کسی صدمه زند بر اسلام

• باغ دین را زخس و خار می پیرائی

§ فرض از علم بود حفظ حدود اسلام

• ورنه برگو چه بود قاید ملانی

§ گرچه شیطان قوی دست فریبده بود

• لیک الحمد خدا را که تو با برجائی

§ روز روشن شده بر چشم مسلمان شب تار

• آه اگر چاره نسالی تو بروشن برآید

سرود ملی و ترانه وطن

ایران - ایران - ای خطه مینوشان و تختگاه کیان  
 و قبله وطن پرستان و محبوب ایرانیان - ای مقام باکان و  
 سر منزل نیاکان و وطن مهربان و مادر این مشت  
 فرزندان - ای وطن عزیز و خاک حاصل خیز و هوای  
 مشک آمیز و نسیم عطر بیز - ای خال هفت کشور  
 و زمین غیرت پرور و ملک حمیت آبر - تو چه دلریا  
 زمینی و چه زیبا مکان

کنماینان اگر گل روی تو بو کنند  
 کثر هوای گلشن مصر آرزو کنند  
 بامال پشت بای تو شد روی آفتاب  
 آنان که منکرند بکو رو برو کنند

ای ناموس ایرانیان و اعتبار دولت باستان - ای  
 شرف جوان مردان و دوی دردمندان - چه نامت  
 شیرین است و ذکرت تسلی خاطر حزین - ای اولین  
 وادی مدنیت و نخستین مقام ترقی و تربیت - تویی که  
 صیت مفاخرت قاف تا قاف را گرفته و شهرت معالی  
 و بزرگیت کران تا کران را احاطه نموده - نام نامیت  
 از پنج هزار سال پیش عنوان همینه رفعت - و سر لوحه  
 دفتر شوکت و عظمت و دباجه کتاب مجد و شرف بود  
 ای گردن ناند کیشان در کند تو  
 خوبی نشانه است ز حسن نام تو

ایران ایران - ای آسمان مجد و عزت و محط رحل  
 علم و معرفت - ای جایگاه سراج دولت و جهانگیری  
 و مرکز سلطنت و شهر یاری - چه نیکو و قشنگ است  
 منظرت - و چه دایه دست کشورت - خاکت عنبر آکین  
 است - و زمینت بمثابة بهشت برین - جنبایت رشک  
 جهان و هر وادیت آگنده از شقایق و لعلان - محسود  
 جهانی و منظور جهانیان - مدخر آسیا و مطرح  
 نظر اروپا -

روی بجزات از عرش برده فرش تو رونق  
 زمین ز زمین تو محسود نه رواق مطابق

از نخست روز بنگاه تربیت و تمدن بودی و بر  
 همه ممالک آفاق سروری و مهتری داشتی - پادشاهانت  
 ملك الملوك جهان بودند و پسر پادشاهان و فرمانروایان  
 جهان که حکم می نمودی

- § دفع این فتنه فرما که کشیشان عزود
- بجیل کرده سیه شمس بدین بیضای
- § آتشی را که رافرو خهاند از ره جهل
- بشان زود بآب خرد و دانای
- § دختر مسلم و در مدرسه عیسویان
- میبکنم جامه بتن چاک من سودای
- § خود فرما بکشیش از ره قول لب
- تا یکی جشمه خورشید رگل اندای
- § دین اسلام نه دینی دیده است باند نوکس
- رخنه دروی فکند هرزه چرا میلای
- § بیست این مدرسه خود بحاس دعوت باشد
- که کشاند مسلمان ره ترسای
- § امر فرما که دگر طفل مسلمان زود
- همین مدرسه و مبد امریکائی
- § کبست گوید شهشاه جهان این بیغام
- کی را داده خدا افسر ملک آران
- § خسروا روی زین زیر نکینت نانا
- جز بکامت نبود این فلك بینائی
- § بخدائیک ز لطف و کرشم داد ترا
- تخت اسکندری و مملکت دارائی
- § که هزار عدل زو هیچ نخواهد پذیرفت
- دین نگهدار و بکن عدل که محکم بانی
- § سلطنت را تو بحشید خداوند جهان
- دولت داد که تا رونق دین افزائی
- § چونکه امروز همه باقی فرمان تو اند
- چه شود گر تک شرع خدا فرمانی
- § حکم فرما که دگر طفل مسلمان زود
- همین مدرسه تا او نشود ترسائی
- § مدرسه نیست در این شهر مگر از همه قدیم
- منحصر کشته باین مدرس امریکائی
- § حافظ دولت و مملات جوتون در این عصر
- چه شود گر زره لطف با بخشائی
- § بنده صدر الاد با بین متحیر ماندم
- که عم دین بخورم یا سکه غم دنیای
- § عرضهایم همه از روی صداقت باشد
- خالی لذت جیله و تزویج بود چشمتائی

مختصین خدیوی که گیتی گشود  
سر شهریاران کیوسرت بود

همواره ساکنات قرین امن و امان - و فرزندان با  
شادی و مسرت تو امان بوده - سالها قبله اهل عالم بودی  
و مطاف نبی آدم - دست تطاولت بر بین و یسار  
دواز بود - و باب احسان و پرورش بر روی طالبان  
باز - ملوک عالم با ستانت پناه بردندی و بدامن قدرتت  
متوسل شدند - ای بسا روزگار که بر ممالک آفاق  
فرمانده بودی - و سر سروری و بزرگی بر آسمان  
سودی - فرزندان بزرگان تاختندی - و شهریاران  
لشکر بهر سوی جهان کشیدندی - مصر و سوریه و  
شامات و جزیره عربستان - چین و هند و ترکستان را  
پایال سم ستود نمودندی -

ایران ایران - ای مرکز دانش و منبع اهل خرد  
و پندش - ای سرچشمه معارف - و علوم و مؤسس  
آداب و رسوم چه شد آنفر فریدونی ؟ کجا رفت آنصورت  
طهمورثی ؟ بادشاهان با ستانت چه شدند ؟ جوانان  
کین نوزت کجا رفتند ؟ کو آنچه صنایع بدیهه و بدایع  
نفسه ؟ علوم و فنون را در کدام زمین نهادی ؟  
غیرت رشاهت و شجاعت را چرا از فرزندان دریغ  
کردی ؟ مهارت عالیه ات که با سبت فردوس لاف  
برابری زدی از چه رو خراب است ؟ دلای نوباوگان  
چرا از غم و المت کباب ؟ سیروس دلیر و بهمن دراز  
دست و نوشیروان عادل را چه نمودی ؟ کشتیان جنگیت  
را که سالها بر یونان محیط بود از چه رو خرق بحر  
فنا نمودی ؟ طاعت زیبای شیرین را چرا در خاک  
نهفتی ؟ نوجوانان شیرصورت را که زهر لگ از نگاه  
غضب آلودشان شکافتی کجا فرستادی ؟ چه شد انحامیان  
غیرتمندت ؟ چرا مردم شدید فدائیان ارجندت  
آنها که در حفظ استقلال و آزادیت جان دادند چه  
شدند ؟ و جی که چون پرواه از آتش محبت  
میسوختند کجا هستند ؟

اند کان یحییہ رجال اعزہ  
بهم من خطوب اللہم کان احبہ  
و طائفہ الاموطن نحن اهلہ  
عنیزہ علینا ارضہ و سماہ

نبی و طای خلوا التخاذل انه  
بالانکم و یحتاجکم و بلاہ

کلمای شادابیت چرا پژمرده ! و لہای خندان  
از چه رو افسرده ! قامت رعنائت جہسان خمیده و  
زلف مشکبنت چرا سفید گشته !  
ای کلام شیران و مقام پلنگان فرزندان نرہ شیرت  
چه شدند ! جنگال جزیران دلیرت چگونه پایال  
گردیدند ! مگر نه تو آرا بگاہ جوشید و اردشیری یا  
خوا بگاہ محمود غزنوی و ملکشاهی ! ممالک وسیعہ و اراضی  
شامہات چرا مجزی گردید ! کدام ظالم اعصاء بدنت  
را بریده - و چه بی لطفانی بدنت را قطعہ قطعہ کرده  
زخمت ز ستارگان فزون است و جسمت ضریق محیط  
خون !! آہ آہ ! این چه درد است که سینہها را ریش  
نموده و دل بیگانه و خویش را خسته !

زخم درون سینہ ما به نمیشود  
صدبار اگر برشتہ مهیم رفو کنند

بر جراححتت گریه کنم یا بر ناتوانیت زاری ؟ چنان  
چشم از محبت پیوشم و بر بچارگیت خون جگر  
ننوشم و حال آنکه دوستی ات ( با شیر آمد است که با  
جان بدر شود ) اشک حسرت چہسان از دیده نریزم  
و خاک افسوس و ندامت بر سر نریزم - مگر نه تو ناموس  
ایرانیان و معروف جهانیان - چرا روزگارت طیب است  
و طافیت بیمار - و اسفاه علیک یا وطنی ! ! !

§ کجا رفت فر فریدون و جم ؟

کجا رفت آن کواویانی عالم ؟

§ کجا رفت آنفر شمشیری ؟

کجا رفت آن روزگار ہی ؟

§ کجا رفت سیروس و الانبار ؟

چه شد فیاضوفان حکمت شعار ؟

§ چه شد شاعران بدایع نگار ؟

چه شد صولت سام و اسفندیار ؟

§ کجا رفت آئین نوشیروان ؟

چه شد اردشیر و چه شد اردوان ؟

§ چه شد اندلیران کین تو ز تو ؟

کجا رفت آن روز پیروز تو ؟

§ کجا رفت آن ناب داده کند ؟

که گریه کنان گرفتار بند ؟

را در شمال و جنوب امتداد ده - زراعت و فلاحت را  
بسیار گردان - احتیاجات ما را از اجانب قطع کن -  
اشرار و اجام را قلع و قمع فرما - تا موجب رضای  
خدا و آسایش رایا و رطایا و ترقی ملک و ملت گردد -  
نام نیکت سر دفتر شهریاران عظیم الشان و تمثال پیناکت  
یادگار مجد و رفعت ایران و ایرانیان گردد - گویا حکیم  
منوچهری از پیش این ابیات را در حقت سروده

- § ای خداوندی که فرمان تو را مانده می
- نخست خا و طوق فور تیغ قیصر تاجرای \*
- § همچنین لشکرکش و دشمن کنرو اصلاح کن
- هم چنین نیکی کن و گیتی خور و میری نترای \*
- § فرو جاہ خویشان را بر فراز و بر فروز
- ناسخ و بدخواه خود را بر نشان و در ربای \*
- § گردن اوبار بشکن پشت دولت راست کن
- بای بدخواهان به بند و دست بیکان برگشای \*
- § عدل گیر و داد دارو نام جوی ورم ران
- ملک را آباد ساز و دین پژوه و ره نهای \*
- § دشمنان را گو گریز و دوست را گو که آی
- ناصحت را گو نشین و دوست را گو بیای \*
- § داد ده لشکرشکن خنجرکش و مفر شگاف
- گنج نه باره فکن شمشیر زن بخت آزمای \*
- § چون بیای مهر و کین این را بین آنرا ستر
- چون بینی عدل و ظلم این را گزین آنرا گزای \*
- § جز اطایرا مروب و جز لایان را مند
- جز معادیرا مکوب و جز موالی را مپای \*
- § دوستان را بند بشکن دست پروردار بخش
- دشمن و اعدا شکن بردار کن کین آزمای \*
- § طاهری کو هر نژادی از نژاد طاهری
- هنرم تو هنرم و کمال تو کمال و رأی رای \*
- § صکر پیر زنده بودی بر زبان جبرئیل
- آمدی برشان عدل آیت از صریش خدای \*
- بهین وزیرا و مهین دستورا - از نخست روز
- بیادشاه برسی و غیرت مندی و ملت خواهی معروف
- جهان و مشار بالبنان بودی - رأی صائب همواره
- حلال هر مشکل و اصلاح کتفه هر فساد بوده - کمال
- کیاست و کاردایت در نظر دوست و دشمن مشهور
- خبر و صلاح همیشه منظور و متصور بوده -

§ کجا رفت آن تیغ بران تو ؟  
چه شکستند آن پهلوئان تو ؟  
§ کجا رفت آنقوت و قدرتت ؟  
چرا نیست شدکانت و ثروتت ؟  
§ کجا رفت کبخره ملک بی ؟  
چه شد گیه و گودرز و کاوس کی ؟  
شاهنشاهان ملت بناها - چشم و چراغ ایران - ملجأ  
و پناه ایرانیان - ملت عمم را شاهنشاه تاجدار و بزرگان  
سلف را مهین یادگار - بدر این مش فرزندان و راضی  
این گوسفندان - همگانرا چشم و دل سداقت و داد  
گری تو است - و امیدواری از فدائیت و دانشوری  
تو - اطاعتت را برادت یزدان دانند - و امتثال اوامر  
و نواهیست را محان و دل پذیرند - کنونت که خدای  
برگزیده و تاج و اقدار را بفرق فرقدان - آیت مزین  
فرموده تخت و دیهم کسان را بای فرموده قدوم  
میمونت ساخته - روان روشت بخموده و دل آگاهت  
کرامت نموده محبتت را در قلوب فرزندان جای داده  
و شاه برسی را با آب و گل رعیت سرشته - وزراء  
خیر خواه با خیالات طالبات همراه - و دشمن ملک  
و ملت را درگاه - و بر اعظمت دانا و آگاه - خدایت  
یشت و پناه از تخت - روز صکه بر اورنگ سلطنت  
جلوس فرمودی تاج و تخت را زیر و نیات بخشودی  
بنظر عطف و مهربانی در حق ایرانیان نگریستی و  
عجشم پدری در رعایا و برابرا نظر نمودی - دلهای مجروح  
را مرم ملاطفت نهادی و آتشیای ظلم و بیداد را  
تا آب عدل و داد خاموش فرمودی - ایرانرا رشک بهشت  
برین ساز و ابواب رأقت را بروی همگان باز - ملک  
ایرانرا که حانه نیاکان باک است از عدل و داد معمور  
و آباد فرما - طالبان عدل را اصلاح - دست مفت خوران  
و سائان را کوتاه کن - اقطاع و نیول را که و بران  
کننده خانه رعیت است موقوف فرما - بر حکام و مأمورین  
دیدبان برر گردان - علوم و معارف را که ثروت  
حقیقی و گنج ابدی است در انحاء ممالک محروسه  
منتشر و مبسط ساز - مدارس و مکاتب را بیفزا -  
حدود مملکت را مستحکم فرما - قشون اسلام را  
مرتب و منظم ساز - تجارت و صناعت را رواج ده -  
ظلم و بیداد را از صفحه منق و ناپود نما - راه آهن

سالمی دراز شامشاه دل آگاهی آزموده تا از  
 همکنات برگزیده - امروز همه افراد ملتها نظر امید  
 بدست تو است - و رجا از همت عالی و تدبیر وافی تو -  
 آشنگی هر کار از نظر حق پندت بدور نیست - ضعف و  
 ناتوانی ما از خاطر پنهان و مستور نه - خرابی امور  
 را بدرستی - طای ابرهای تیره و تار که از شمال و جنوب  
 آسمان اقبال ما را تیره و تار نموده هر روز مشاهده  
 میمانی - از خیالات دشمنان دین و دولت آگاهی - مضار  
 این بار گران قرض را بیکایک میشناسی - دامن همت را  
 بر کمر استوار کن - دست حجت از آستین همت بدر آرد  
 بسر انگشت خرد و کفایت گرمهای سخت از کار  
 ملک بگشا - بر اهنمونی تدبیر و دانش آبرفته بجوی  
 آور - چنان کن که خلق از تو امیدوارند و ملت در  
 حقت گمان دارند - بای اجانب را از خاک ایران کوتاه  
 کن - ناخوشهای بستری را علاج نما - سی که دولت  
 و ملت را چشمانیده اند بتریاق عقل و هوش درمان  
 ساز - امور آشفته را اصلاح کن و خرابیهای سی ساله  
 و تعمیر نما - طیب حاذق مانتوی و پزشک دانشور  
 مانتو - جز آستانت پناهی نداریم و غیر از غیرت و همت  
 نشناسیم - وطن عزیز مقدس مان نزدیک شد که پایال  
 سم ستور اجانب گردد - عزت و رفعت مان مبدل بذلت  
 و عبودیت شود - اکنون بشتاب که بچار را سخت  
 انقلاب است و حالت ترین قلق و اضطراب - گونا  
 حکیم سخن سنج مید تو این ابیات را خطاب بوطن  
 گرمی سروده است

§ اکنون که طیب آمد نزدیک بیاینت

• کتر شودت درد و بهتر شودت زاری •

§ چار که بگردد از قوت او ساقط

• دانیکه بیک ساعت کارش نشود کاری •

§ يك هفته زمان باید لایکه دوسه هفته

• تا دور توان کردن زوسختی و دشواری •

§ بروی نتوان نمود تمجیل بیه کردن

• تمجیل بطب اندر باشد ز سبکباری •

§ آستنگی باید آنجا و مدارائی

• سدگونه عمل گردد اصلاح زهشباری •

بجلی از احوال - مکاتب عمومی  
 بر خرفند صاحب هوش پوشیده نیست مخصوص

آنانکه اندی بملاحظه تواریخ مال مائوس اند که عموم  
 ملل متمدنه در عهد قدیم باقرون حدید نهایت کوشش  
 و اجتهاد را در جمع کتب و تألیفات و رسائل نموده  
 و بینابند - خواه مکتب مذهبی و راجع بقائد یا  
 دنیوی و علوم و صنایع - و در اماکن مخصوصه ضبط کنند  
 تا از تصرف و ضیاع و آشتت محفوظ ماند - و در این  
 خصوص نهایت اعتناء و اهتمام را درین نمیدارند چنانکه  
 در ازمه قدیمه عبرانیان و کلدانیان و مصریان و ایرانیان  
 و یونانیان و رومیان نمودند و چند قرون تمادیه  
 مصون و محفوظ ماند - البته همه کس حکایت کتابخانه  
 اسکندریه را شنیده و سمع و عظمت آنرا خوانده اند  
 که از خطای عمرو بن العاص آنهمه مکتب نفیسه  
 ضایع و هدر گردید و همه علوم قدیمه را در کلخن  
 حمامها سوزانید - بعد از آنعصر اهراب و مسلمانان  
 در زمان سلطنت بنی امیه و بنی عباس در جمع و ضبط  
 و ترتیب کتابخانهها سعی شدند خصوصاً در بلاد اندلس  
 و طرف مغرب بحدی در آنممالک هفتاد کتابخانه دائر  
 بود و از همه معروفتر کتابخانه (قرطبه) بود که در  
 آنوقت مشتمل بود بر دویست و پنجاه هزار جلد کتاب  
 ولی بحقیقت انتشار و وسعت عظیم آن و ازدیاد کتب  
 و رسائل نشد مگر بعد از اختراع صنعت طبع و چاپ  
 که پس از اختراع این صنعت عجیب کتابخانهها احداث  
 نمودند که گنجهای معارف است و غذای روح و افکار  
 و دواء درد اولوالالباب و ذخیره اسلحه عقایه که مولد  
 و منشاء اسلحه ظاهریه است

اما کتابهاییکه در مکاتب عمومی امریکا و اروپا  
 امروز موجود است چند قتره آنرا بجهت نمونه در  
 اینجا بیابیم که رحب احصایه چندسال قبل موافق  
 ذیل است

فرانسه (۹۷۰۰۰۰۰) نه میلیون و دویست هزار جلد  
 آلمان (۶۲۶۸۰۰۰) شش میلیون و دویست و  
 شصت و هشت هزار جلد

انارونی امریکا (۴۷۰۰۰۰۰) چهار میلیون و هفت  
 صد هزار جلد

انگلیس (۱۸۰۰۰۰۰) یک میلیون و هشت صد هزار جلد  
 روسیه (۸۵۰۰۰۰۰) هشتصد و پنجاه هزار جلد  
 بزرگ (۵۹۰۰۰) پانصد و نه هزار جلد

در اسلامبول سی و پنج کتابخانه متبر است که اعظم از تمام کتابخانه (سرایه شاهیه) است مشتمل بر پنج هزار جلد کتاب بزبان فارسی و عربی و ترکی و چون مرض کلی از تاسیس این مکاتب عمومی سلطنت انتفاع عامه است زیرا که اغلب مرد مرا دسترس به رقم کتاب بست و نمک نمیشود چندین هزار کتاب بخرد لذا در اروپا و امریکا در این خصوص نهایت دقت را میبایند که هر کس اسهوات بتواند از آن منتفع شود و وقت شخص ضایع و مضر نگردد. و از این رو مقرر است یومیه پنج ساعت الی هفت ساعت باختلاف مکاتب از برای عموم با روهمة افراد مات در ورود و مطالعه مجاز اند و در هر يك از آنها رحمت استعداد و وسعت مستخدمین چند است از ناظر و خدام و فرانس و مقرر است واردین را بطور خوبی پذیرائی کنند بلکه هر که بخواهد استساح نماید غیر از کاغذ سایر لوازم تحریر را از کتابخانه مجاناً میدهند. و ما فقط در اینجا بذکر یکی از آنها که کتابخانه معروف پارس و سوسی به (کتابخانه وطنی فرانسوی) که بزرگترین و معروفترین مکاتب کرة زمین است اکتفا میکنیم که میزان سی و غیرت اروپاییان خصوصاً اهالی فرانسه بدست آید و بدانند بی جهت آنها تمجید نمیشوند بلکه اهل عالم باعناق پارس را خانه تمدن و وطن علم و مرکز تربیت میدانند و عبت نیست در تعظیم زبان فرانسه اهتمام دارند و بیکرة عمل مشغول میشوند که راه را راهروان چگونه رفته اند تا بسم منزل مقصود رسیده اند. و بدانند شاه شهید چرا این قدر در تعظیم و انتشار زبان این قوم اصرار داشت و اعلیحضرت اقدس همیونی بی سبب شوق و میل ندارد که اهالی فرانسه دان بشوند. چه مادامند ملق هستند که مقدم تربیت در يك عالم ارضی شدند و کرة زمین را شکلی تازه دادند. خلاصه این کتابخانه بچهار قسمت بزرگ منقسم میشود

(۱) کتب مطبوعه و چاپی که مشتمل است بر عدة بسیاری از کتب و رسائل مختلف الحجم که بواسطه کثرت رسائلی کوچک هنوز مستخدمین نتوانسته اند بدرستی و تحقیق عدة آنها را معین نمایند. و در حقیقت این رسائل را داخل در شماره نمی آورند ولی از قرار مساحت نفوس و وظائف هائیکه محل کتب اند تخمین کتب را بدو

مليون نموده اند و مساحت آنها از این قرار است  
 برای مکان کتب يك و ربع با قطع کامل (۵۲۳۲) متر  
 برای کتب رقی یعنی خشتی (۵۲۹۸) متر  
 برای کتب نیم خشتی یا ثمنی (۲۲۶۹۴) متر  
 مساحت مجموع سی و چهار هزار متر است -  
 اما آنچه از این کتب قابل شمار و احصاء است بدین قرار است. علم الهی و فروع آن چون کلام و تفسیر کتب آسمانی یا دیگر کتب مقدسه مثل حدیث و غیره بر حسب اختلافی عنایه (۱۷۶۵۶۶) مجلد. کتب فقهیه و فروع آن مثل حقوق معابد و ارباب کفالت و شریعت اسلام و سایر شرایع و قانون مدنی و حقوق ملل و غیره (۱۳۷۵۰۹) مجلد. تاریخ و سفرنامه های سامرین و سیاحان. و تاریخ مذاهب و مال و شرح احوال همه ملل و وجوده در قطعات پنجگانه زمین (۶۱۷۳۰۷) مجلد. کتب علمیه از قبیل فلسفه و متعلقات آن و علوم طبیعی و فروع و شعبات آن و ریاضی و موسیقی و امثال اینها (۵۶۲۲۲۷) مجلد. فنون ادبیه مثل بیان و خطابه و شعر و قصه و حکایات و رومان و نحوها (۴۲۹۹۵۳) مجلد. که جمع تمام اینها (۱۹۲۳۵۶۲) جلد است. ناظر این کتابخانه عالم تحریر (مسیو دیابل) در تقریریکه در شهر زویه سال (۱۸۸۵) مسیحی بوزارت علوم و مدارس تقدیم کرده چنین اظهار میدارد این شماره فوق که قریب بدو مایون است از عدد حقیقی بسی کتر است زیرا که اکثر اوقات چندین رساله را که در يك جلد مجموع است بمنزله يك کتاب داشته ایم و نیز چندین نسخه مضاعف يك کتاب را يك عدد حساب میداریم و همچنین کتبی که در بین دست عموم مطالعه کنندگان بوده یا بيك نسخه سابق در اقسام سه گانه دیگر موجود بوده مثل آنچه راجع است بشرح صور و رسوم و اشکال و مسکوکات قدیمه جزء این شماره نیاورده ایم ازین رو میتوان گفت کتب محفوظه در این قسمت زیاده از دو مایون و دو بیست هزار جلد است (۲) قسمت کتب خطی و نوشته است. و آن نیز بهمت فرع منشعب است (اول) کتب شرقیه مثل عبرانی و عربی و فارسی و کلدانی و ترکی و سانسکریت و چینی و غیره مشتمل بر (۱۶۶۱۷) جلد. (دوم) یونانی (۴۵۴۰) جلد (سوم) لاتیفی (۱۴۲۹۸) جلد. (چهارم) فرانسوی (۲۸۸۴۰) جلد. (پنجم)

از هر کتاب که تازه بطبع می‌رسد يك نسخه تقديم کتابخانه نمایند امروز دارای چند هزار جلد کتاب می‌بود  
اصلاحات جدیده یا خیالات عالیه

♦ وزیر اعظم ♦

( از شماره ۴۲ )

عنوان اول چگونگی وضع مالیات - باید دانست که بر حسب نگارشات سابقه آنچه اشاره کردیم مالیات نه تنها منحصر بحقوق اراضی و حیوانات و سرشماره‌یست بلکه این یکی از موارد مالیات است که بزبان هر بی خراج نامند و مراد از مالیات تمام واردات دولت است. بهر عنوان و تحت هر اداره که داخل گردد - پس گمرک و پست و تلگراف و تذکره و حقوق احتسابیه و اصنافیه و غیرها داخل در مالیات است - مالیات منقسم است بآنچه سالیانه داده میشود یا ماهیانه - و آنچه که سال و ماه را در آن ربطی نیست و از قبیل اول است خراج اراضی و مالیات خانها - و آنچه از قبیل دوم است پست و گمرک و غیره - پس بر ما لازم است در هر يك از این مسائل فرداً فرد صحبت کنیم - اما مسئله خراج پس باید دانست که در تمام امم و ملل مسئله خراج متداول بوده و تاریخ اول آن معلوم نیست لکن در هیچیک از ممالک و امم کمان نداریم ما بحال اینگونه وضع خراج که در ایران متداول است معمول باشد اما آنچه بر حسب قانون اسلام در برده باشد آنستکه گرفتن زکوة از اراضی موقوف باریداد منافع و قلت آن است بعد از آن اسری خراج بزمین تعلق میگیرد بلکه راجع بمحمول زمین است پس از آنچه محصول باید گردید بعد از وضع مصارف اگر اراضی از ایران سیراب گردیده یا از محاری طبیعه عشر مقرر است - و اگر بزحمت و کلفت و تشیدن آب از جاه مشروب شده ده نیم یعنی صد پنج باید بدهد - و قانون متداوله کنونی که تقریباً در جمیع دول روی زمین عراقست قریب بهمین قانون شرعی است - یعنی آنچه سالیانه محصول برداشته شود دولت را در آن حق است که بر حسب اختلاف بمسالك صد پنج یا ده گرفته میشود در هیچ قانون مرسوم نیست که زمین فی حد فاه دارای عوارض باشد کمان نداریم در امم متقدمه هرگز عوارض

لغات مختلفه ( ۲۷۱۴ ) جلد - ( ششم ) راجه بتاریخ ایالات فرانسه ( ۱۲۴۲۵ ) جلد - ( هفتم ) کتب راجه باده و شواهد تاریخ خانها و قایلهاى فرانسه ( ۲۷۱۰ ) جلد ~~صكه~~ عدد مجموع آنها بالغ میشود به ( ۹۰۱۰۹ ) نود هزار یکصد و نه جلد کتاب خطی

(۳) مسکوکات و سنگهای منقوشه در این قسم دویست هزار ( ایکونته ) موجود است ( ایکونته اشیاء منقطه بر-وم و تصاویر و سایر اشیاء عتیقه است و ( ایکو فونوگرافی ) علم بتصاویر و یادگارهای ایتیک را گویند )

(۴) قدمت تقعه حات و صور بزرگان است که مشتمل است بر ( ۲۲۰۰۰۰۰ ) دو میلیون و دویست هزار قطعه در ( ۱۴۵۰۰ ) مجلد - و صورت مشاهیر مردان و زنان عالم که بترتیب حروف هائیه فرانسه چیده شده بالغ است به ( ۴۰۰۰۰۰ ) چهار صد هزار صورت

و بطر زیاد شدن کتب این کتابخانه بدون اینکه دولت یا امانت متحمل مصارفی گردد از طرف حکومت حکمی صادر شده که هر کس هر کتاب طبع نماید يك نسخه آرا بکتابخانه وطنیه - تقديم دارد - چنانکه بر حسب تقریر ناظر مکتب مزبور فقط در سال ( ۱۸۸۴ ) شماره کتبی که افزوده شده است ( ۷۴۱۱۱ ) هشتاد و چهار هزار یکصد و یازده است ناسنماء حراید و مجله‌های علمی که از این مدار ( ۸۱۵۶ ) در شهر پاریس طبع رسیده است ( ۵۰۶۰۶ ) در سایر ممالک و بلاد فرانسه طبع شده - و آنچه از اهالی یا اجانب خریده شده است ( ۵۶۰۹ ) جلد است - و ( ۵۶۹۱ ) جلد مخصوص فن موسیقی است - و اما در سال ( ۱۸۸۰ ) مسیعی شماره کتب اضافه تقریباً سی و پنج هزار جلد بوده و از این مقایسه تفاوت و ازدیاد آن هر سال معلوم میشود

کترین فوائد این گونه مکاتب آن است هر کس را بهر کتاب دسترس ممکن میشود و هرگونه اطلاع میتواند تحصیل نمود - خیلی جای تأسف و اندوه است ممالک ایران که در سه هزار سال پیش دارای کتابخانهها بوده امروز که نور علم سراسر آفاق را فرا گرفته و وحشیان آفریک و امریک ببرکت اشعه آن بمنزل تربیت رسیده‌اند و لا اقل در طهران که پای تخت و مرکز سلطنت است يك کتابخانه عمومی نداشته - اینک اگر خطه مقرر می‌باشند

ماده خراج این گونه قانون مقرر شده باشد مگر اینکه در بعضی کتب تاریخ حکایت کنند که در زمان انوشیروان اراضی را مساحت کرده بر آن مالیات مقرر میگردید - و در زمان خلیفه ثانی که مسلمانان بر بلاد ایران استیلاء یافتند نیز همین قانون حکمرانان امضاء نمود - ولی چندان نگذشت که همین قانون موجب تخریب اراضی و هجرت اهالی گردید - چنانکه کتاب (الذممن الاسلامی) در این خصوص شرح مفصل مینویسد خلاصه آن از قرار ذیل توجه میشود

مملکت عراق که مهمترین ممالک اسلامی در هنگام خلافت بود پس از استیلاء مسلمانان بر آن خراج را باعتبار جریب مقرر داشتند و جریب قطعه از زمین است که مساحت آن شصت ذرع در شصت ذرع باشد یعنی (۲۶۰۰) ذرع مربع چون سلاطین ایران از یک جریب یک قنبر و یک درهم مالیات میگرفتند بعد از فتح اسلام خلیفه ثانی خراج گندم را بر همان میزان سابق مقرر نمود که در یک جریب ۴ درهم میگرفتند و ۱۰ و انگور را ۵ و درم در یک جریب - و درخت خرما را هشت درم و ازنی شش و از جو دو درم و سرشاری را نقری ۱۴ یا بیست و چهار یا چهل و هشت باختلاف اشخاص میگرفتند - بعد از کشته شدن خلیفه ثالث و ظهور اختلاف در مسلمانان و اشتغال بجنبگ و خونریزی بواسطه اشتغال نازیه ظلم و تعدی خلفاء اموی اهل عراق از زراعت و فلاحت قهراً باز ماندند - مع ذلک حجاج همان قانون خلیفه دوم را خواست مجری دارد و این خود ممکن نبود زیرا که اغلب اراضی لم یزرع و بحاصل بود - حجاج خواست با استعمال قوه جبری این امر را صورت دهد پس بنای عسف و شدت را نهاده در اندک مدتی اهالی دوچار فقر و ذلت شدند - زیرا هر چه داشتند اهالی دیوان میگرفتند بازم مبلتی از خراجشان پرداخته میشد و مبتلا بزجر و تعذیب میشدند - بلاد و مزارع مخروبه گردید و ساکنین آن هجرت نموده ترك دیار گفتند - چون نوبت خلافت به بنی عباس رسید بنومی خاص بذل توجه بطرف عراق نمودند ، اول کسیکه اقدام باین امر کرد منصور بود که با ملاحظات دقیقه دانست که این گونه مالیات ظلم و بیقاعدگی موجب خرابی و تخریب است - مقرر نمود خراج گندم و جو از روی

مقاسمه باشد یعنی از روی غله مالیات بگیرند و اگر زمین مزروع نقد حق بروی نداشته باشند و در اغلب اراضی عراق یعنی آنها که بدون تعب سیراب میشوند ده پنج ( نصف ) مقرر شد ، این خود اگر چه بسی سنگین بودی ولی در آن ایام اسباب فرح و سرور اهالی بود زیرا که میدانست از آنچه مداخل کرده يك قسمت بزرگی را دیوان میگردد نه از اصل مال او ولو هیچ مداخل شده باشد

از این بیان معلوم شد که این قرارداد مکث نموده و هر مدت نیز موجب فساد و تخریب بلاد شده ولی گمان نمبرود در عصر انوشیروان با آنچه عدل و داد این گونه قانون ظالمانه معمول بشود و معلوم نیست که این حکم مخصوص بقطعه مبنی بوده یا در همه بلاد ایران - و محتمل است که قانون اصلی چنین بوده ولی در صورت آفت و نقصان زراعت تخفیف داده میشده و تلافی آنرا در زمان وفور محصول و حسب نعمت مینمود - نظیر اینکه در اغلب ممالک خصوصاً روسیه متداول است که از خزانه دولت برعایا بعنوان قرض مبلتی که سرطایه زراعت تواند شد میدهند پس از برداشتن محصول و فائده دیوان طلب خود را با تزیل استرداد مینمایند - بعلاوه آن روزگار بواسطه قلت تجربه و عدم انتشار علوم و نبودن وسعت درقنون سیاسی و مملکت داری مورد ملامت نبودند - اما امروزه آفتاب تمدن آفاق را از کران تا کران فرا کرده و وحشیان بیابان نورد قدم بوادی تربیت و ترقی نهاده اند و تمامی عالم بیک اتفاق منوی در وسعت زراعت و اصلاح مالیات و وضع قوانین در تعمیر بلاد و آسایش عباد و ترقی ملت و دولت کوشش میکنند چگونه از عقل سالم رخصت داریم که این قانون غلط را پیروی کنیم چه این خود واضح است که ارض قلات یعنی بیابان بی آب و گیاه را توان با اراضی خصبه و حاصل خیز برابر نمود کذلک قری و مزارع حاصل خیز نیز متفاوتند بعضی را زحمت زیاد مثل اراضی اصفهان که محتاج است برشوت و مشقت بسیار و پاره مانده املاک خار و ورامین که زراعت با کمال سهولت شده و موجب منافع بسیار است و در بعضی از امکنه آذربایجان با يك کوزه آب میگاورند و با کوزه دیگر دور مینمایند و اهدأ محتاج بسیاری

نمودن اراضی نیست همه اربابان رحمت پرورش مییابد ولی در هرستان و مواضع دیگر باید بضرر گاو و شتر آب کشیده بزراحت دهند و نیز در قسمتی از اراضی هر نوع محصول خوب و فراوان میشود و در نقطه دیگر خیلی کم حاصل و قلیل المفاصه است. چگونه عقل تجویز میکند که همه را بیک منوال و بر یک نسق خراج مقرر دارند. ولی در ممالک ایران برخلاف تمام نقاط عالم خراج راجع به اراضی است خواه دارای محصول باشد یا مخروبه و بایره و در همه سنوات بیک قرار است گویا از احکام شریعت حضرت حتمی مرتبت است که باید تا یوم النیام بر یک نظام ماند و قابل نسخ و تغییر نباشد

اگر وقایع غیر متوقبه سهامی حاصل را ضرر زند و باعث نقصان و خسارت شود و یا بالکلیه معدوم نماید یا ملغ و زک و امثال اینها از حوادث ارضی و سهامی حادث شده محصول را نیست و نابود سازد و رعیت بیچاره را بنشان یومیه و قوت شب محتاج کند باز مأخودی ایران تفاوت نمی یابد. یا چنانچه در بسیاری از محال و اماکن ما حاصل رنج و تعب یکساله رعیت بیچاره پایال سم ستور یک مشت دزدان هرزه کرد خود سر شود باز دیوان از حقوق خلوایش صرف نظر نخواهد فرمود و هتساعت این امر زیاده از حد احصاء است که محض جاب توجه اولیاء دولت ابد آیت عایه بهمترین آنها اشاره میشود زیرا که میدانیم امروز حضرت وزیر اعظم همگی همت بر اصلاح امور ملکی و ملی مصروف میدارد اگر سخنی از روی حقیقت و دینسی گفته شود بسمع قبول اصفاء خواهد فرمود

استبداد که موجب هر قسم اعمال قبیحه و اقدامات شنیعه است در وجودش ذره یافت نمیشود بلی مردمان خیر خواه که نظر بر اجراء یک مشروع مقدس دارند از هر کسی ولو دشمن باشد کلام نافع را بپذیرند و از آن خائده برگیزند و در نزد عقلاء از این کاری پسندیده تر نباشد. اما بدبخت کسیکه اساس کار خود را بر لجاج و عناد نهاد و بر یک رای و اظهار استبداد مصر و مبرم گردید که ملت و دولت را برباد ناکامی دهد تا طاقت روستیایی و نیامی بار آورد چنانکه همگان در حاده وزیر سابق دیده و شنیده

حض اینکه مرحوم امین الدوله در زمان صدارت خود نقشه اصلاحی کشیده در صدد اجراء آن برآمد این مرد نیز طرح فساد و اضمحلال را رسم نمود. بیچاره دولت و ملت ایران باید دستخوش استبداد این خود خرمشان بوده باشند. جای افسوس آن است که ملت نیز قوه بیزه ندارد که بداند کی خیر او را طالب است و که شورش را کور کورانه قدم میزند و دست خود بدیگران سپرده تا هر جا خواهند ببرند و در هر مقام که دانند بیاندازند. مگر بعضی از دانایان که از رموز امر مطلع اند و بسود و زیان واقف اینها نیز از بسکه بلیه و مصائب گرفتار شده اند و هم جنسان خود را در تابه استبداد برشته و بریان دیده اند یاری دم زدن و حالت نفس کشیدن ندارند. زیرا که . . . . . چندان از آنان را در زمان وزارت خود آشکارا و پنهان با سامی مخالفه و اتهامات کاذبه تلف نمود که حقیقت آنرا جز خدای عزوجل کسی نداند. ~~سکویا~~ بر ریختن خون انسانی حریص بود

آه آه سوختم سوختم این راز نهتن تاکی !! سبحان الله نفس آدمی چنان بر خونخواری حریص گردد و بر اتلاف نوع خود اصرار و الحاح نماید غار دهانش بیچ لقمه برنشود و تنور شکمش بیچ طعمه سرد نگردد و بر قتل نفس محترم حریص و ایذاء اشرف مخلوقات را که (الادمی تیان الله) پیشنهاد خاطر خود سازد با جوعی ~~سکه~~ سیری از عتب ندارد و عطشی که سیرابی از بی اتی نیست

کالحت لایرو سیر شنی یا همه  
یصبح ظلما و فی البحر ذه

اگر در روز جزا در عدالت خانه الهی صیب برسند که بجه عنوان در کشتی ما مبادرت نمودی و این همه خون ناحق ریختی ندانم در جواب چه ~~سکوید~~ و بکدام عذر متمسک شود در درگامی که غدر و مکر را در روی راه نیست حیل و شیادیرا بجوی نخره مر از باطن و ظاهر مطلع باشند. اگر رسول اکرم و نبی خاتم سلی الله عایه و آله و سلم در یوم القیامه فرماید ای ظالم بدکار و بدبخت زشت کردار فرزند دلبندم دو حق تو چه کرده بود بسایه چه عداوت و لاحقه ~~سکدام~~ دشمنی شبانه بر خانه وی ریختی و خلوش بر ریختی و آن

جده اش قاطعه زهرا سلامه علیها شرم نمودی - آیا ظلم بجاییه و ستم آل مروان و ابناء آل عباس بر عترت من پس نبود - که تو نیز چخماق ظلم را متحرک ساختی و بر جان پاره های دلم تاخقی - رویت سیاه باد و مقامت در تیران آخر با تو چه کرده بود که او را کشتی و فرزندانش را یتیم نهادی - و اسفاه علیک یولدی که سرشرا با تخماق بیرحمی کوبیدند

( ایتم اللهس اجلی حزماً • ازالقی تخذیرین قد وقعا )

قلم اجماع رسید و سر به بشکست ۱۱۱

شکر خدا را که امروز این غبار تیره از افق ایرانیان مرتفع گشته و آسمان اقبال بوجود شمس هدایت و کوكب دری منور آراسته و از هر کوه تکدر و تیرکی پیراسته . اگر قدر بداییم و کمران نعمت نکنیم خلاصه سخن در مصار این گونه طالبات کوفی ایران بود

( ۱ ) آنکه این معنی ظلم صریح و حور بین و آشکار است چگونه عقل ساین و طبع مستقیم حکم میکند که باوجود مرجح ترجیح نسوان داد - چرا باید کسیکه صد هزار تومان سالیانه عواید و فوائد اوست با کسیکه ضرر رده و تمام ثروتشرا در راه زراعت نهاده و بواسطه عوارض غیر مترقبه ما بملکش را بر سر فلاحت گذارده بیک هنوال سلوک شود - و این نظیر آست که لایق مجازات را با قابل و مستحق مکافات در یک میزان و بیک نظر دیده شود - مقصر و مطیع را فرق بدهد - از الاغ بار قاطر خواهند و ار است لنگ حرکت قطار شد مفر - مریض و سالم را . تراز نگذارند دوست و دشمن را جدا نمایند با اینکه مبنای اساس هر سلطنت بر عدل و داد وضع شده بر وحشی که نمبر بلاد و آرایش و رفاه کافه مردم و کزت ثروت و مکنت را باعث شود و چنانکه در بدو همین عنوان مهصلاً شرح دادیم که ابتداء اختراع و تشکیل حکومت در اتم قدیمه محض رفع حور و اداة عدل و راحت بوده و قرار اداء خراج و پرداختن طلبات نظر بمخارج لازم در اجراء عدالت بوده اگر در موقفی ظلم و ستم رخ میدهد منشأ شخص مخصوص خواهد بود و گرنه اصل بنیان عمارت حکومت بر سلطنت عدل و داد است

( ۲ ) تباهی رعیت و خرابی مملکت و ظلم و پریشانی در مات و بی میلی طعمه بعمل زراعت و فلاحات و حدوث قحط و غلا و نسکی معاش و قلت ارزاق و باثر شدن اراضی مستعد و مدربا ریختن رودخانه های بزرگ است - زیرا که چون از وقایع غیبی کسرا اطلاعی نیست و سرطانه همه اقدامات و اتهامات فقط امیدواری و رجاء است پس هرچه نفع زیاد و خوف ضرر کمتر شود اقدام و مبادرت بر امور افزون خواهد شد و بالعکس چون خوف و دهشت و احتمال ضرر دروی زیاد باشد از آن پلوشی نمایند مخصوصاً در عمل زراعت که زارع لا محاله باید معاشش باشد که هرگاه ویرا بهره و سودی حاصل نشود زبان نیز نخواهد بود - و اگر زبان نیز باشد لا اقل دست نباید یولی بدهد و بنوعی که ایران معمول به است زارع چون دید - محصولی بر نداشته باید مبنای پول بدهد تاچار اقدام نمایند - و این معنی منجر بخرابی مملکت و حدوث قحط و غلا میگردد - ما نمیکوئیم تنها دولت باید این قسم مالیات نگیرد بلکه بر دولت لازم است در صورتیکه آفت بحاصل رسید رعیت را نگاه داری نموده از خزانه لوازم و ما محتاج سالیانه او را پردازد و از جهت سال آتی نیز تدارک زراعت او را بنماید تا رعیت دست از کار نکشد و محصول از ملک کاسته نشود و بایدی دولت افزون گردد

( ۳ ) آنکه این وضع مالیات موجب تنزل طالبه دولت و نقصان خزانه و تضییع است چنانکه مشاهده میشود سال بسال از طالبات قسحق از اراضی کاسته میگردد زیرا غایت سعی و کوشش رعایا تا درجه معینی محدود است - چون دو سال یا سه سال دیناری باید ایشان بشد و باید مالیات را از جیب خود بدهند تاچار چون دید کارش بجان و کاردش یاستخوان رسیده فرار اختیار کند و ملک را بیصاحب گذارد بیلاد بیده یا ممالک اجنبیه رود چنانکه مشاهده میشود - هر سال بسیاری از اراضی بایر شده صاحبانش از ترس دادن مالیات منکر ملک خود میشوند - ( بقیه دارد )

### حکومت کرمان و بلوچستان

اشخاصیکه در کرمان سابقاً زحمت اخبارنگاری را متحمل شده اداره را بمنزله ساخته بودند اینها وقتیکه

تهنیت مسا مرقوم داشته اند در موقع جواب عرض خواهد شد. و با کمال امتنان مرقومات ب غرضانه ایشان صکته تمام مفید بحال دولت و ملت است درج خواهد گردید

و نیز از جناب وکیل محترم مرکزی کرمان نهایت امتنان را داریم که با صکرت کارهای تجارتن و غیره از روی تمدن و تهذیب و خدمت به نوع زحمت و کالت را قبول فرموده و از سایر وکلای محترم رفسجان و سیرجان ویم نیز امتنان داریم و مفصلاً مراتب تقدیر و دولتخواهی و مات برستی ایشان را اشاعه خواهیم نمود

بموجب اخبارات موثقه که با اداره رسیده چون کرمان و بلوچستان بکثرت سرحدیت را دارا میباشد خاصه این اوقات که اموری سیاسی دو همسایه روس و انگلیس قامت فرموده رشته بانگ ها هفتشاهی نیز بکرمان کشیده و احداث بیمارخانه و معلم خانه شده است داعیان مسیحی نیز دوا سبه مشغول بکار روانی میباشند - در این موقع از جانب دولت ابد مدت ایران نیز فرمانفرمان این مملکترا بحضرت والا شاهزاده رکن الدوله که در مراتب تربیت و تمدن و اطلاع و حفظ حقوق رعایای داخله و خارجه و غیره بصیر بلکه سر آمد اغلب اقران میباشد مرحمت شده و عموم اهالی چشم براه و منتظر متقدم ایشان میباشند - امید است انخاب بی اعتدالیهای این مملکت بواسطه این وجود ایشان مرفوع گردد

جناب ( مسیو اسکندر مار ) قوسول دولت بیه روس نیز دو ماه است امور باقامت کرمان و قوسول خانه دولت روس را دایر نموده - بسیار شخص خلاق و مایلیم - با عموم اعیان و اشراف حق از علای عظام آن شهر نیز دیدن فرموده بواسطه تحصیل لسان عربی و فارسی همیشه مایل بمجالست فضلا و صحبت های علمی و در ترقی تجارت امته ایران بروسیه و امته روسیه بایران جاهد و با عموم اهالی اروپا نیز مرادبات دوستانه مفتوح دارند

اگرچه قالی کرمان بواسطه به جهلت تنزل فاحش نموده بالمره خریدار ندارد - لاجکن بواسطه کسادی آنه قیمة غله حد نهاید رفته بلکه عموم اجناس چون بته برزیادی وکی قیمة غله است ارزان و فرلوان است - سنه حاضر بگندم بواسطه توان بیک بیرونی یا بیرون پیشینند

امثال درده توطان نمیخرند - روغن که دو تومان بود يك تومان نمیگیرند ( عسی ان تکره واشیا وهو خیر لکم ) قالی خوب آلان نیز در قیمة چندین فرق نکرده است اینهمه تنزل از خرابی در ساخت قالی شده که هر قصاب و صباغ و عصار بنای اینکار را گذارده تجار امانتکار نیز کایا بقیمة اعلی خریدند ورنه جنس خوب هرگز منسوخ نخواهد شد - بعدها مفصلاً از وضع حالیه عموم اجناس داخله برای بصیرت تجار محترم بعرض خواهد رسانید اول شرط بزرگ تجارت آنست صکته در خوبی طالبالتجاره بکوشند - تقلبات و حقیقارای موقوف دارند لازم شرح و بسط نیست - ضرر تریاک و قالی طالی را طراب کرده - کتیوای کرمانشاهان را باعلی درجه قیمة میخرند - کتیوای رفسجان ضرر دارد

( بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا )

تجارت علم میجوهد اتفاق میجوهد - دیانت میجوهد - افاده های خشک خالی بدرد نمیخورد اهالی باید همت کند تا دیگران اردست شان نگیرند افسوس برگزیده نمری ندارد

بوشهر

چیزیکه بفریاد مظلومین و داد بیوه زنان و یتیمان رسید همان اخلاص و ارادتی است که همیشه اوقات خاصه در ایام محرم و صفر و هنگام نزول بلا اهالی شیراز به خانواده رسالت خاصه سیدالشهداء خامس آل عبا دارند ( شیراز حسنیة ایران مشهور است ) ارحالی و دانی بزرگ و کوچک سیاه و سفید در خانها و مسجدها و گذرها مجالس سوگواری و تعزیه داری و سینه زنی را برپا میدارند - ملاحظه فرمایند ( کل نم دیده را آبی تمام است ) جللیکه جمیع مردم یکی عزادار پدر یکی برادر یکی پسر یکی ملود باشند و اسباب روضه خوانی فراهم شود بچه قسم سینه زنی و تعزیه داری میشود - از برکت وجود ائمه اطهار نا خوشی پای فرار را برقرار استوار نموده باندک زمانی ره بسیار بدیار دیگر گردید تا به بینم بست صکته برسد از چه مجلس خبر آرد حال سه چهار روز است مردم آسوده حال بازارها را باز کرده کم کم میجوهد داد و ستدی شود و نانی بدست آید

چندین موردش توفیق داشت و توبه از محبت گرامی

فرطاید - عصمت - عفت - قوی - طهارت ذرع و میزان درست رأفت و مهربانی - تقاضی و وفای رحم و مهرت را که ام طایفه چه سیمرخ و کیمیا این است که ( لطف حق با نو مداراها کند ) ( چونکه از حد بگذرد رسوا کند )

اگر بخوام اندکی از بسیار و ذره از خروار عرض کنم کتابهای بسیار شود نه تنها تیراز بلکه ۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ماشا الله همه ما را فرا گرفته بی چیزیکه مایه امیدواری است همان خیالات بلند حضرت وزارت عظمی که خدایش عمردهاد که اطهر من الشمس و ایض من الامس است یکی مسئله نزع اجناس و اداره بلدیه طهران که اول نتیجه بزرگ آن درست فروشی ذرع و میزان است - چه خوب است که به ادو اجازه حضرت وزارت عظمی رشته از این مجلس در جمیع ممالک عروسه کشیده شود که مردم بچاره از این کم فروشی کسبه بی اصراف آسوده شوند. و این نمیشود مگر بمقتضای سودمند جریده جبل المظن و خیالات بلند وزیر عدالت آیین که خداوند هر دورا بمدد غیبی خود کمک فرماید ( یارب دعای خسته دلان مستجاب کن )

مکتوب یکی از فضیلتی جلیل

( الیوم انجزت الآمال ما وعدت )  
 ( و ادرك المجد اقصی ما تمناء )  
 ( الیوم فاضت علی الدنیا زواجرها )  
 ( فارتضى لدين والاسلام واقه )  
 ( افسر سلطان گل پیداشد از طرف جن )  
 ( مقدمش یارب مبارکباد بر سر و من )

الحمد لله سبحانه متراکمی که فضای معارف را تیره و تار کرده بود از اثر بنیان و بیان آن محرر اجل هو و نابید گشت - شاید بزم معارف چهره بنمود و چشمهای رمد رسیده معارف پژوهانرا روشن فرمود لیالی هجر به بیان رسید و صبح وصال دمید المته الله که در میگذرد شد بار - هزار بار خدای را شکر گذاریم که باز روزنامه مقدس ساحت وطن را بنشر فوائد علم و حکمت مظهر می نماید امروز اتفاق کلمه ارباب علم و ادب است بر اینکه اقرب وسائل ترقی برای ایرانیان روزنامه مقدس است الحق مستمسکانش جلی میهن است و مردانشرا حق مین - نویسنده را آگاه میکند و مستجاب را

کامل خداوند متعال توفیقات مدیر محترم را مضاعفه فرماید که در راه خدمت بوطن گرامی منجمل آنهمه زحمات گشته و در واقع مدار تمدن امروزه ایران بر خانه مشکن حتماً اوست در ایجنت نهادی که اغراض فاسده قوی دیو سیرتان زشت کردار بدسرشت حجاب حاجزی شده حاجب آفتاب علم و یقین و سد حائل مانع از تمسک بمجلد المظن هرگاه دردی بدلمیرسید مجبوراً در ایران رفته اطلال مندرسه و اعلام طامسه را مخاطب داشته اظهار مافی الضمیر با جادات می نمود. و هرگاه احیاً زمره چند از گوشه مسموع میشد چنین حدس میزد. که این طایر گوشه نشین عزالت گزین گویا همچو من از مشاهده قضایای موحشه وطن متأسف و متأثر است یا بر حالت سوگواری و حزن من متأسف و متأثر ولی امروزه بمحمدتک تعالی مانع از بین برخاست ایام فترت گذشت و زمان جاهلیت سر آمد باز روزنامه مقدس صلاهی مطابق بخص و عام زده و فتح باب از برای عموم واردات وطنیه نمود

و یذی الاسلام جز کذا لله عن الاسلام احسن الجزاء تغییر وضع بسی از اوصاف را تغییر داده و مبانی راه ترقی را نزدیک کرد اما نه بدع و احیاء - بن نمود - حوزه مقدسه وزارت عظمی زاده الله علوا و شرقاً مقاصد عالیه در مد نظر دارد - و تا کنون هم اهتمام و اقیه و مجاهدات بالله بذول داشته خدایش توفیق دعاد ولی چون عادات ثانویه که در طول ایام رفته رفته در بعضی رسوخ و استقرار یافته حکم طبایع اولیا را پیدا کرده تغییر و ازاله آن کاری است اگر محال نباشد بسهولت هم صورت پذیر نیست ارکان غالب ادارات و وزارتخانهها بمداخنه و خیانت و حق ناشناسی عادت کرده اند لنت رشوه در انواع اثر فوق العاده بخشیده که طبایع مرضای مزمن را مبتلا بمرض استسقاء ساخته که همیشه در عذاب البعد و مبتلای بنار جحیم

اگر چه وزارت عظمی شخصاً بجمع دوائر رسمیه و مراقبت خاص و مذاق و نظر فوق العاده دارند ولی هنوز بارة اعضا ادارات در پیش بردن اغراض دوا سیه می تازند و تیغ کسی بگردشان نمی رسد مگر ذوالفقار علی چاره این ناکسان را بکند و مسائل بشریه از دفع مسائل این هیاتین انجمنی طبع و تقاضی است در یک قضیه که خیره

این گنم اطلاع و استحضار داشته منتهای ظلم بر یکی از حکام محترم از طرف یکی از ادارات رفت. باینکاین شخص در مدت بیست سال حکومت در نقاط مختلفه یکبار مواز راه دوستکاری خارج نشده بود و بحسن ظن و باک نهادی همیشه عدل و داد و ملازم بود الا اینکه جوی از اشرار محال حکومت او بحسب فساد نیت و آرایش اضراب همیشه در صدد هرج و مرج و عدم انتظام حکومت و ظلم و جور باایالت بودند و در حکومت این شخص چون رسول بمقاصد شان میسر نغد لاجرم بطهران آمده در مقام توکل و تخطئه آن شخص منظم برآمدند - محض حفظ ناموس مقدس دولت تصریح باسم را روا نمیداریم ولی همینقدر اعصاء آن اداره جلیله را مخاطب داشته میگوئیم. آیا از عدالت است دو بست و پنجاه تومان گرفتن و عرض شخص هتیمی را فاش کردن؟ سپس متوجه آنکه بقیة السیف دخل را بعنوان بقایا منع کرده بگوئیم. شاعت گرفتار و فضاحت رفتار تو از هر کس بالاتر و بدتر است که پس از توضوح مطلب رشوه گرفتن و غرض ناطل را مساعدت نمودی و حکم جیت و طاغوت را بحری دانش محض عرض مالی اسنماء بمرض ممرضین کرده بمانی وقت آن شخص محترم و مال عارضین را تضییع کردی دیگر چه رغبتی از برای حکومت بقی میماند که بعد از این بدل و داد رفتار کند در صورتیکه تسبیح شیخ و خرقة رند شرابخوار همنان است و محرم از محرم شناخته نمیشود - رجاه وائق داویم که کاردانی و کفایت حضرت مستطاب شاهزاده معظم وزیر اعظم دامت شوکت جیع این نقائص را اصلاح فرماید  
امصا (س ح)

### تذکرات

( ۲۳ جادی الاول - ۶ آگست )

§ سه سالار روس در اقصای شرق جنرال (کرویاتکن) راپورت میدهد که مقدمه الحیش ژاپون از جانب شمال تا ده مایل (هیچنگ) رسیده است  
§ جهاز (ملکه) را که روسیان گرفتار و مرخص نموده بودند از (امیریا) بجانب (بندرسید) روانه گردید  
§ دولت روس بیامالی وعده داده که دو جهازات (روالتیر) را که از قتل آسب و پهنیخواهی این

بوزار (داردنن) بگذرد از مسلك تجارتی تجاوز نخواهد نمود - چون سخنان روس زبانی بوده دولت عثمانی در اینخصوص رسماً نوشته خواسته - روسها مشکل است در این ماده نوشته دهند - و گمان میرود که بوعده زبانی بیامالی را راضی نمایند

( ۲۴ جادی الاول - ۷ آگست )

§ رعه زبانی که دولت روس در تاسکراف ششم منباب گذشتن دو جهاز (والتیر) او از بوزار (داردنن) داده بود تا اندازه مابعدی قبول نمود رفع اشکال شده و در این ماده بیامالی مراسله به سنبر روس نگاشته و عدهای زبانی روس را لفظ مانظ ذکر نموده است  
§ عدالت جنکی (ولادی و دسک) در باب غرق نمودن جهاز (نایت کاندن) تسلیم نموده که غرق وی مخالف با قوانین دول نبوده چه اسباب تعمیر راه آهن داشته و بجانب ژاپون دو حرکت بود - از اینرو جهاز مذکور در قطار جهازات ژاپون شمار آمده است

§ غبر (روتو) از نیوجوانک خبر میدهد که برخی از کشتیهای موشک را در رود خانه ماورای دریا بالشکریان بحری در حرکت آورده که فرادین روسی را جلوگیری نمایند - در این رودخانه کشتیهای کوچک تا یکصد میل عبور و مرور میتوانند نمود

§ غبر (روتو) از (ایاویانک) بتاریخ عجم خبر میدهد که يك اردوی معظم ژاپون بجانب (مکدن) پیشقدمی میباشد و چنان تصور می شود که حمله بر (مکدن) و (ایاویانک) در یکوقت شود - حدک سیاو عظیمی عنقوب خواهد شد

§ غبر روتو از (پترسبرگ) خبر میدهد که راه آهن دور دریاجه (بیکال) تا اواخر ستمبر قابل عبور و مرور خواهد گردید - دوشاخه نمودن راه آهن (سیبریا) را فعلاً موقوف داشته اند - و عرض داشته اند که در این ماده از دول اجنبیه برای دوشاخه نمودن راه آهن (سیبریا) تقدیم شده بود قبول نشده مسترد ساخته اند

( ۲۵ جادی الاول - ۸ آگست )

§ از تلگراف غیر رسمی (پترسبرگ) ظاهر میشود که از خشکی در نواح (بندر آوتیر) جنکی سخت پیش آمده ژاپونیهایی پس از شکست فاحش با قصابی ده هزار نفر کشته شدند و هزار نفر در این

داشت که دولت استرلیا - آلمان - ایتالیا - روسیه - فقط قبول نمودند حقوق حکومتیکه ما برای خود برقرار داشته ایم بلکه هیچگاه دولت انگلیس را تکلیف به تخلیه مصر نخواهند نمود

§ جہاز (منورہ) کہ از کلاکت حرکت نمودہ بود در قرب (فیتروی) یکی از جہازات آلمانی کہ اینک جزو جہازات گرمہ روس شامل است - بر خوردہ جہاز منورہ را امر بہ بلند نمودن نقصان کرد - جہاز مزبور اطاعت مکررہ اجازہ حرکت یافت

§ جنرل (استاسل) رسماً ظاہر میدارد کہ بتاريخ سوم لشکریان روسی کورہ (اوانف) کہ یک میلی وکلید بندر (آرتھر) است تخلیہ نمودند - چہ عدد لشکریان ژاپونی در حملہ بر کورہ مزبور زیادہ از حد استقامت لشکریان روس بود

§ جنرل (استاسل) اظهار داشتہ کہ حملہ لشکریان ژاپونی بتاريخ ۲۷ بر بندر آرتھر بسیار شدید و سخت و رو برو بود و تا ساعت ہشت شب جنگ برقرار مابقت ژاپویان با نقصان زیاد عقب نشستند عدد لشکریان ژاپونی در این جنگ هفتاد و ہزار بقل آمدہ است § بموجب تلگرافیکہ از اسلامبول بہ برلن رسیدہ باعالی دو جہاز (والتیر) روس را اجازہ عبور از بوزاز (دارد نلز) دادہ است

§ ارل پرسی در دارالشورای ملی انگلیس در مادہ بندر (ویہاوی) اظهار داشتہ کہ دولت از اظهار حکمت عملی خود کہ در تخلیہ آن اختیار خواهد نمود فعلاً انکار دارد

§ در بارہ گذشتن چہارات (والتیر) روس از (دارد نلز) مراسلہ کہ باعالی بسفر روس بتاريخ ۷ نوشته بود قبل از وقت و بموقع تصور می شود - شایستہ چنین بود کہ باعالی بہ تأیید و همراهی اعتراض انگلیس سخت ایستیاہ و وعدہ مکتوبی از روس حاصل مینمود

(۲۵ اکتبر - ۲۷ جلدی الاول)

§ بتاريخ نهم وقایع نگار اخبار (دلی تلگراف) لوز (جینو) خبر دادہ کہ بتاريخ چهارم لشکریان ژاپونی بر قلاع مہمنہ وقلب روسی در بندر آرتھر حملہ نمودند و جہازات

حک از روسیان بقتل رسید

§ جنرل (استاسل) کہ سردار بزرگ لشکریان روس در بندر (آرتھر) است خبر میدہد کہ بتاريخ ۲۹ تا ۲۸ حالیکہ ژاپویان بر بندر (آرتھر) نمودند جلوگیری شدہ با نقصان بسیار لشکریان ژاپونی عقب نشستند - نقصان روس در این ۲۹ روز چہل افسر و ہزار و ہفتاد لشکر بقل آمدہ است

§ بحکم امیرالبحر روس کشتی جنگی (سیوج) را در نیوجوانک بدین جہت فرقی نمودند کہ بدست دشمن نیفتد

§ لشکریان ژاپون بعد از حملات شدید کورہ (اوانف) کہ یک میلی بندر (آرتھر) است متصرف شدہ بروی سنگرہای متین استوار نمودہ قلعہ بندی مینماید § (ہالت وکلین) کبئی جہازات انگلیس اعلان دادہ اند کہ حملہ اشیاہ ژاپون از خوف گرفتاری جہازاتشان نخواهند نمود

§ در دارالشورای ملی انگلستان بجواب (مستر گیس بولس) صدر اعظم انگلیس (مستر بلفور) اظهار داشتہ کہ بعد از عہدنامہ پاریس گرفتاری جہاز ماکہ اولین واقعہ است کہ مخالف با معادہ دول بوجود پیوستہ امید است کہ جہاز مزبور را بسیار زود واگذار نماید - دولت روس تمیل خواہشات دولت انگلیس را خواہمان و مایل است این مسئلہ اہمیت پیدا نماید و دوستانہ فیصلہ شود - (مستر بلفور) اظهار داشت کہ هیچگونہ مقام تأسف نیست اگر من با خیالات دولت روس موافقت نایم - چرا کہ دولت روس در این مادہ هیچگونہ نطل را روا ندیدہ - تاکنون با کمال استقلال نگران بدین امریم کہ آنچه روسیان نمودہ اند صحیح است یا نہ - ولی در مادہ فرقی نمودن جہاز (نایت کادر) روسیان برخطایند و ہرگز مانعینوایم تسلیم این حرکت غیر مشروع آنا را بنمایم

§ امیرالبحر (الکس اف) خبر میدہد کہ یک جنگ مختصر دربان بین جہازات روسی و ژاپونی بتاريخ ۲۶ در قرب بندر آرتھر واقع شدہ - در آن جنگ ۳۰ جہازات موشک ژاپونی را نقصان رسیدہ است (۱ - ۲۶ اکتبر - جلدی الاول)

§ ارل پرسی در دارالشورای ملی انگلستان ظہار

طرفین نیز تا صبح مشغول جنگ بودند و اینها بعدت نام برقیه آنها بودند مابقی با قصابی زیاد و صحنه شستند قصابان روس در این میدان زیاد برهرا و غیر معلوم میشود

§ در پترزبرگ مرضی و این دیده شده - خوف آلت که این مرض منتشر شده عمومیت پیدا نماید

§ جنرال (کروپاتکن) بتاريخ نهم خبر میدهد که در حصص شرق و جنوبی جزیره های بساژوانک تبدیله مقامی پیدا نشده - ولی همه روزه در نواح ده میلی هب جنگ جنگهای خفیف واقع می شود

§ مابقیه تصفیه عبور جہازات والتیر دوس از یوزار (داودن) مطابق تلگراف ختم شد است ( ۱۱ آگست - ۲۸ جمادی الاول )

§ مخبر روتر از (چیفو) خبر میدهد که يك جهاز موشك روس وارد چیفوشده اظهار میدارد که شش فروند جہازات جنگی و چهار کشتی های گزیه و شش کشتیهای موشک روس در روز صبح از بندر آرتر فرار نمودند - و يك جهاز جنگی که در عقب بندر آرتر را رها نمود و در آن پنج نفر سیاح بود بیان میکنند که دسته جہازات واپون جہازات روس را تعاقب نموده چنین است که جنگ دریائی سختی پیش آید

§ وقایع نگار استدرود از (نیتسن) مینویسد که سه هزار نفر از فرقه (جونیوست) در تاریخ دوم بر اردوی روس در (نچنگ) حمله نمودند - لشکریان روس چون از این واقعه غیر متوجه بجز بودند نقصان عظیم یافته علاوه بر اتلاف نفوس، قورخانه و سیورسات زیادی نیز غنیمت گرفتند - برای دفع اینگونه حادثات نگهبان مخصوص بر اردو نگاهشاند

§ مخبر (روتر) از (توکيو) خبر میدهد که امیرالبحر (توگو) خود را نزدیک جہازات روسی که فرار از بندر آرتر نموده بودند رسانیده و جنگی بسیار سخت شده تا نیمی شب آتش جنگ مشتمل بود از آن بعد کشتی های موشک و موشک شکن واپون و جہازات متواتر شدیده بر جہازات روسی نمودند - مابقی الامر جہازات واپون شبانه معاوضت کردند

§ جہازاتیکه برای نگهبانی بندر آرتر و گذارده شده معلوم داشته است که امروز صبح دو جہاز جنگی روس (تواندن) و (پرویدا) بطرف روسیه من آرتر را بر طرف باز آمدند

§ امیرالبحر (توگو) نتیجه جنگ بحری را تا اکنون واپورت نداده است

§ مخبر (روتر) از (چیفو) خبر میدهد که پنج روز است علی التوالی واپونیان از کوه (اوتف) بر بندر آرتر شلیک مینمایند جہازیکه حمله جہازان بندر آرتر بود عورایت و اطمان را نیز حمله نموده عمیت سائر جہازات که فرار نموده اند از بندر آرتر خارج گردید

§ وقایع نگار روزنامه طمس از (توکيو) خبر میدهد که اخبار آیکه منبای قصابان زیاد واپون در جنگ بندر آرتر انتشار یافته رسماً تردید شده است

§ بعضی از کپانهای جہازات آلمان اموالبراکه برای بنادر مشرق جہازات انگلیسی قبول نمیکند ذمه دار حمل و رسانیدن آنها شده این بجز ست عنصری دولت انگلیس را بر ملت ظاهر میدارد - و میگویند ازین جهت که وزراء از خوف خویش با حیالات روس و فرانس مخالفت نمی نمایند

§ بموجب خبریکه رسماً به جنرال قوسل واپون در بمبئی رسیده مخبر آیکه در (نالیون) اند خبر میدهند که دسته جہازات جنگی روس صبح دهم از بندر آرتر بیرون آمدند و جنگی شدید تا شام برپا بود - شب کشتی های موشک واپون سخت بر آنان حمله نمودند

§ صبح یازدهم (روتونان) و (پرویدا) بجانب بندر آرتر فراراً ملز آمدند

§ جہازات جنگی روس که از بندر آرتر فرار نمودند حسب الامر امیرالبحر (اسگردتوف) بوده است § مخبر روتر از چیفو خبر میدهد که جہاز جنگی روس (ریجنتی) که از بندر آرتر به بندر چیفو پناه برده حسب الامر امیرالبحر ژاپون او را از اسلحه جنگی محرومان نمودند ( ۲۹ جمادی الاول - ۱۲ آگست )

§ در حال شورای دولتی انگلستان لارڈ (لنسدون) وزیر خارجه اظهار داشته که دولت انگلیس نمیتواند تسلیم کند که فرق جہاز (نایت کلدر) درست بوده و حکم عدالت جنگی مطابق با قانون بین الدول است بواسطه این گونه امور تجارت دولت انگلیس را نقصان عظیم رسیده و خواهد رسید - ازین رو باید دولتین مشارالیها حل این گونه مسائل مشکله را نموده رفع و دفع این قسم حادثات را بجای - بسط و تربیت و سرپرستی